

یورش نیروهای انتظامی به دفتر تحکیم وحدت

★ این یورش پس از نامه سرگشاده

انتقادی این دفتر به هاشمی

رفسنجانی صورت گرفت

در صفحه ۲

کدام

ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

چهارشنبه ۸ خرداد ماه ۱۳۷۵

۲۹ مه ۱۹۹۱ دوره سوم شماره ۸

رفسنجانی: مخالفین کارشکنی می کنند

تجدیدی ضمنی به استعفا بود، با واکنش سریع و گسترده ای از سوی روحانیون و نهادهای وابسته به جناح های مسلط حکومت مواجه شده است، موجی از پیامهای یشتیبانی از وی به راه افتاده که تا لحظه تنظیم این بقیه در صفحه ۳

به دنبال سخنان مهم رفسنجانی در نماز جمعه هفته گذشته، بار دیگر فضای سیاسی کشور را التهاب فراگرفته است، رفسنجانی در نماز جمعه به مخالفین برنامه های خود شدیداً حمله کرد و کارشکنی آنها را مانع پیشبرد این برنامه ها اعلام کرد، سخنان رفسنجانی که

دوران دشوار هند پس از قتل راجیو گاندی



خداحافظی پسر گاندی بر طبق سنت هندو حاحسد پدرش را می سوزاند

نماینده مجلس به اوین احضار شد

به خاطر انتقاد از شورای عالی امنیت ملی

شدیداً به این نماینده حمله کرد و هر پرسشی در مورد تصمیمات شورای عالی امنیت ملی را نادرست و غیرمجاز دانست. وی این نظر نماینده مشهد را که "برخی از تصمیمات شورای عالی امنیت ملی قابل تقصیر و بررسی و انتقاد است" رد کرد و گفت این "حرف شکفت آوری است" و وحیدی ساجدی که جزو طرفداران دولت رفسنجانی است در جلسه بعدی مجلس شورا به شدت به صالح آبادی حمله کرد و گفت تو همان راهی را میروی که ننی صدر و بازرگان رفتند، از سوی دیگر جناح تندرو به حمایت از صالح آبادی برخاست. روزنامه جدیداً انتشار سلام که به مدیریت

مجلس شورای اسلامی است، او در سخنرانی پیش از دستور خود در روز ۲۵ فروردین ماه برخی تصمیمات شورای عالی امنیت ملی را زیر سؤال برد و گفت که این شورا در تصمیم گیریهای مهم خود حتی نظر مشورتی مجلس شورا را هم جویانمی شود. برای اولین بار بود که چنین سخنان انتقاد آمیزی نسبت به شورای امنیت ملی در مجلس صورت میگرفت.

این سخنان بلافاصله به واکنش طرفداران رفسنجانی انجامید. مطاالله مهاجرانی که از مشاورین نزدیک رفسنجانی است در پاسخ به صالح آبادی مقاله ای نوشت که بلافاصله در روزنامه اطلاعات درج گردید. مهاجرانی

ترابعلی صالح آبادی نماینده مشهد در مجلس شورای اسلامی بعد از سخنرانی اش در مجلس به "دادسرای انقلابی" مستقر در اوین احضار شد و از او بازجویی بعمل آمد. صالح آبادی بعد از این بازجویی به خبرنگار روزنامه رسالت گفت که به بازجویان خود در زندان اوین گفته است، طبق قانون اساسی نمایندگان مجلس اسلامی را نمیتوان به خاطر ابراز نظراتشان مورد تعقیب و بازجویی قرار داد. باین وجود او ناچار شده است که موافقت کند یک بار دیگر برای ادامه بازجویی در زندان اوین حاضر شود. صالح آبادی جزو نمایندگان وابسته به جناح "تندرو" در

در جریان دهمین انتخابات پارلمانی هند، راجیو گاندی رهبر حزب کنگره بر اثر انفجار بمبی در یک کردهمایی انتخاباتی در جنوب این کشور، به قتل رسید. حداقل ده تن از همزاهان گاندی نیز در این حادثه کشته شدند. قتل گاندی در شرایطی به وقوع پیوست که حزب کنگره او محتمل ترین برنده انتخابات محسوب می شد. گاندی که از سال ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۹ به مدت پنج سال نخست وزیر هند بود، خود را برای بازگشت به قدرت آماده میکرد. به دنبال قتل گاندی، حزب کنگره به همسر سابق او، سونیا گاندی، پیشنهاد پذیرش رهبری حزب را کرد. این پیشنهاد از طرف سونیا گاندی رد شد.

راجیو گاندی پسر دوم ایندیرا گاندی است. ایندیرا گاندی در سال ۱۹۶۴ به نخست وزیری هند انتخاب شد. پیش از او، پدرش جواهر لعل نهرو به عنوان اولین نخست وزیر هند پس از استقلال، زمام امور را بدست گرفته بود. پس از مرگ نهرو، به عنوان اولین نخست وزیر هند پس از مرگ نهرو، مدت نسبتاً کوتاهی گذشت تا اینکه دختر بنیانگذار دموکراسی هند، مقام پدرش را اشغال کرد. ایندیرا گاندی در دوره اول زمامداری خود که سیزده سال به طول انجامید، سیاست عدم تعهد را که پدرش آغاز کرده بود، ادامه داد. در این دوره هند به یک قدرت مهم در آسیا تبدیل شد. اما علیرغم افزایش

مخالفت شورای نگهبان با مصوبات مجلس

مجلس در جلسه ۲۲ اردیبهشت ماه طرحی را به تصویب رسانید که مطابق آن می بایست به هر کاری مبلغی تحت عنوان کمک هزینه مسکن تعلق گیرد. در این طرح آمده است که به هر کارگر مجرد ماهانه ۲۰۰ تومان و به کارگران متأهل ماهانه ۳۰۰ تومان کمک هزینه برای اجاره مسکن پرداخت شود. مبنای این طرح، مصوبه ای از شورای انقلاب در سال ۱۳۵۹ بود که اجرای آن معلق ماند. در سال گذشته دسته ای از نمایندگان مضمون این مصوبه را بصورت اصلاحیه ای برای قانون طبیعت بندی مشاغل تنظیم و تسلیم مجلس کردند. در پی تصویب این اصلاحیه، شورای نگهبان با اعلام اینکه پرداخت کمک هزینه مسکن به کارگران باعث افزایش هزینه های عمومی می شود، طرح را خلاف قانون اساسی و مردود شناخت. شورای نگهبان هم چنین طرح جنجال برانگیز اصلاح قانون انتخابات را رد کرده است. این طرح با هدف محدود کردن اختیارات شورای نگهبان توسط جناح تندرو و مجلس تنظیم گردید و از تصویب مجلس گذشت. شورای نمایان هم ماده واحده اضافه شده به قانون انتخابات و هم الزام حداقل دوبرابر بودن تعداد کاندیدها، نسبت به نمایندگان مورد لزوم را به دلیل شمولیت آنها به مجلس خبرگان رد کرده است. شورای نگهبان با استناد به ماده ۱۰۸ قانون اساسی انتخابات انتخابات مجلس خبرگان را در حیطه وظایف و اختیارات خود می داند.

بمناسبت سی امین سال موجودیت

عفو بین الملل

حمله شدید احمد خمینی به سیاست جذب سرمایه داران مقیم خارج

داشتند. در همین رابطه احمد خمینی طی سخنان شدیدالحنی مذاکرات نوربخش را در آمریکا محکوم کرد. وی گفت: وقتی با لاجوردیها در آمریکا تشکیل جلسه دادیم... نباید توقع داشته باشیم نکوبند همه ارزشهای دوران انقلاب به ضدازش تبدیل شده است. وی سردمداران رژیم را که خواستار جذب سرمایه داران مقیم خارج هستند، "دمحای مستاصل" نامید که دست از خطاها کشیده اند و بالاچوردیها و برخوردارها جلسه برگزار می کنند. وی تأکید کرد که خامنه ای با این قبیل اقدامات مخالف است. احمد خمینی در این سخنرانی اگر چه نام از رفسنجانی یاد نکرد اما آشکارا وی را مخاطب حملات شدید خود قرار داد.

نوربخش وزیر اقتصاد اعلام داشت که در میان سرمایه دارانی که آماده بازگشت به کشور شده اند کسانی یافت می شوند که صاحب خط هوایی حمل و نقل بار و مسافر هستند. وی همچنین گفت کسی که اکنون در آمریکا دارای خط تولید اتومبیل با ظرفیت هزار واحد در روز است مایل است سرمایه و امکاناتش را به ایران منتقل کند. نوربخش که اخیراً از سفر آمریکا گفتگو با سرمایه داران ایرانی مقیم این کشور بازگشته است، مطالب فوق را در پاسخ به انتقادات برخی روزنامه ها نسبت به این دیدار و گفتگو ابراز داشته است. در مذاکره با نوربخش بسیاری از مقامات رژیم پیشین و از جمله نصیر عصار معاون نخست وزیر در زمان هویدا حضور

در اعتراض به ویرانی "عقبات عالیات" در جنوب عراق در ایران عزای عمومی اعلام شد

نماینده جمهوری اسلامی در سازمان ملل: اجرای قطعنامه ۵۹۸ متوقف مانده است

سید احمد خمینی در چهارم اردیبهشت تظاهرکنندگان سخنرانی کرد. بقیه در صفحه ۳

به دستور خامنه ای و در اعتراض به "سائهادت و متک حرمت نیروهای بعثی عراق نسبت به هتات عالیات در شهرهای نجف و کربلا" روز ۵۰ شنبه دوم خرداد ماه را در ایران عزای عمومی اعلام کردند ویر جمعی جمهوری اسلامی را به حالت نیمه انزاشته در آوردند. خامنه ای در پیامی که به مناسبت اعلام عزای عمومی منتشر ساخت، رژیم عراق را با حملات شدیدی مورد حمله قرار داد و نوشت: "لعنت و غضب خداوند بر حکام بعث عراق باد که چون اذنان بیس، مصیبت عاشورا را بار دیگر تکرار کردند و به نجف و کربلا وحشیانه یورش

بدون جنجال در مراسم حج

آن، رژیم جمهوری اسلامی با بهره گیری از فرصت اجتماع میلیونی مسلمانان در مکه اقدام به استفاده سیاسی و تبلیغ و ترویج سیاست ها و اندیشه های خود و برگزاری اجتماعات و تظاهرات علیه کشورهای

حکومت سعودی مقررات ویژه ای برای جلوگیری از حوادث مشابه تعیین نمود. از جمله اینکه حد تصاب معینی برای هر کشور در اعزام زائر معلوم کرد و همچنین انجام تظاهرات را در طی مراسم حج بویژه علیه کشورهای دیگر ممنوع دانست. در همان سال و سالهای پیش از

پس از سه سال وقفه در شرکت زائران ایرانی در مراسم سالانه حج، امسال با توافق رژیم های جمهوری اسلامی و عربستان سعودی، قریب ۱۱۰ هزار زائر ایرانی در مناسک حج شرکت خواهند کرد. سه سال پیش بدنبال کشتار جمیع بیش از ۴۰۰ زائر در مکه،

بقیه در صفحه ۳

گزارش اجلاسهای شورای مرکزی سازمان

یازدهمین و دوازدهمین اجلاس شورای مرکزی سازمان در دو نوبت از ۲۳ تا ۲۶ تیریه ۱۹۹۱ و ۲۷ آوریل تا دوم ماه مه ۱۹۹۱ پس از بحث و بررسی اوضاع سیاسی جهان و منطقه و تبادل نظر در مورد اوضاع سیاسی کشور، پیرامون موارد زیر تصمیم گیری کرد:

۱- در مورد تدارک دومین کنگره سازمان:

ضوابط انتخابات نمایندگان کنگره دوم در خارج از کشور بر مبنای طرح اصلاح شده پیشنهادی از طرف "گروه کار تشکیلات خارج" و توافق پیرامون متمرکز نمودن مباحث روی آن، "ضوابط انتخابات نمایندگان کنگره دوم در خارج از کشور" در ۹ ماده تصویب شد که در همین شماره نشریه جداگانه به چاپ رسیده است.

همچنین برای تامین مشارکت هرچه وسیعتر اعضا سازمان در امر برگزاری کنگره دوم تصویب شد که شورا با انتشار اطلاعیه‌ای کلیه اعضای سازمان را به شرکت فعالانه در روند تدارک کنگره دعوت کند.

در مورد دستور کار کنگره در بحث مربوط به تعیین دستور کار کنگره دوم تصمیم گرفته شد که:

- ۱- در مورد برنامه "مباحث فعلا روی دو محور "اهداف و خط مشی سیاسی" و "هویت" متمرکز شود" و تصمیم نهایی پس از حصول ارزیابی از کنفرانسهای پیش کنگره و در آخرین اجلاس شورا اتخاذ گردد.
- ۲- کار پایه تشکیلاتی مصوب شورا به عنوان سند مبنا به اجلاسهای پیش کنگره پیشنهاد شود و کمیسیونی (منتخب از اعضا شورا) روند تکمیل سندات کنگره پیگیری نماید. اصلاحات پیشنهادی کمیسیون مزبور در آخرین اجلاس شورا به تصویب رسیده و سندنهایی به کنگره ارائه شود.
- ۳- سیاست تشکیلاتی مستقل

از کار پایه تشکیلاتی و خودمختوله خاصی است که بایستی مورد بررسی جداگانه‌ای قرار گیرد. از این رو کمیسیونی انتخاب شد تا پیش نویس طرحی را در این زمینه آماده نموده و به شورا ارائه دهد.

۴- سیاست تشکیلاتی در داخل کشور را گروه کار داخل تهیه نموده و در اجلاس بعدی (اجلاس سیزدهم) به شورا ارائه دهد.

۵- گزارش بررسی عملکرد رهبری گذشته و اظهار نظر رزوی گزارش مزبور در دستور کار کنگره قرار گیرد.

۶- گزارش سیاسی از گزارش عملکرد سیاسی تفکیک شود.

شورا پس از بررسی طرحی ارائه شده به اجلاس در مورد "ساختار دستگاه رهبری آینده" و بحث روی آنجا، کمیسیونی انتخاب نمود تا با جمع بندی مباحث و کار دقیقتر در این زمینه، طرح واحدی را به اجلاس شورا ارائه دهد.

در ادامه تصمیمات تلی پیرامون تامین هزینه برگزاری کنگره دوم قرار بر این شد که: "ستاد برگزاری کنگره برای اجرای کنگره در جهت دریافت کمکهای مالی بدون بهره و تسطی اقدام کند". -تدقیق وظایف گروه کار تدارک اسناد کنگره:

اجلاس یازدهم شورا پس از استماع گزارش مسئول "گروه کار تدارک اسناد کنگره" و بررسی پیشنهادات ارائه شده از طرف وی و گروه کار مذکور تصویب نمود که:

- ۱- شورا به گروه کار اسناد کنگره پیشنهاد میکند در جهت بررسی سند شورا و ارائه پیشنهادات به شورا حرکت نماید.
- ۲- گروه کار تدارک اسناد نقاط افتراق و اشتراک و همچنین نکاتی را که در اسناد موجود به آنها

پرداخته نشده است، از اسناد موجود استخراج نموده و طی گزارشی در اختیار کنفرانسهای پیش کنگره قرار دهد.

۳- گروه کار از همه رفقای که سند ارائه داده اند درخواست نماید در توضیح سند خود موارد اختلاف آن با سایر اسناد، با ارائه مقالاتی در اجرای بند ۲ این مصوبه مشارکت نمایند.

۴- گروه کار برای تامین هدف کسب آراء اعضا سازمان جهت اظهار نظر پیرامون اسناد ارائه شده اقدامات لازم را به عمل آورد.

همچنین به گروه کار تدارک اسناد ماموریت داده شد که "طرح پیشبرد کنفرانسهای پیش کنگره را تهیه نموده و پس از جمع آوری نظریات اعضا شورا و تدوین نهایی به تشکیلات ارائه دهد".

برای تسریع در کار ارائه طرح در مورد "مسئله خلقها" توسط "کمیسیون خلقها" قرار بر این شد که "گروه کار تدارک اسناد کنگره طی اطلاعیه ای آخرین فرصت برای رساندن سند به این کمیسیون را در نشریه اعلام دارد".

۲- در مورد فعالیت های "گروه کار روابط عمومی":

دوازدهمین اجلاس شورا پس از استماع گزارش مسئول "گروه کار روابط عمومی" در مورد سمیناری در راستای وحدت نیروهای چپ و دمکراتیک، انجام شده توسط گروه کار مزبور و مطالعه اسناد ارائه شده، قرار بر این شد که:

- ۱- شورا به گروه کار اسناد کنگره پیشنهاد میکند در جهت بررسی سند شورا و ارائه پیشنهادات به شورا حرکت نماید.
- ۲- گروه کار تدارک اسناد نقاط افتراق و اشتراک و همچنین نکاتی را که در اسناد موجود به آنها

۵- ما از گسترش ترکیب احزاب و افراد ارگان کنونی پشتیبانی مینمائیم.

شورا همچنین بر ضرورت تعویض فرم معرفی پناهندگان و نیز محر و امضا مربوطه آن تاکید نمود و قرار شد در اولین فرصت فرم دیگری بامهر جدید و امضا مسئول گروه کار روابط عمومی تهیه شده و توسط نامه توضیحی لازم به کشورهای پناهنده پذیر معرفی شود.

۳- گزارش نتایج فرآیند گزارشی از نتیجه فرآیند عمومی در سازمان به اجلاس دوازدهم شورا ارائه شد. بر اساس گزارش مزبور، تا تاریخ برگزاری اجلاس شورا:

۱- در پاسخ به سؤال "آیا موافقت طرح خط مشی سیاسی مصوب شورای مرکزی سازمان تا کنگره آتی، که زمان تقریبی آن را کنگره اول تعیین کرده است، منای سیاست سازمان قرار گیرد؟" مجموعاً ۶۶/۵ درصد "آری" و ۱۰ درصد "نه" داده اند. ۳۰ درصد به روش نظر خواهی معترض بوده اند و ۳/۵ درصد رای نداده اند.

۲- در پاسخ به سؤال "آیا موافقت طرح کار پایه تشکیلاتی مصوب شورای مرکزی سازمان تا کنگره آتی، که زمان تقریبی آنرا کنگره اول تعیین کرده است، منای مناسبات درون حزبی سازمان قرار گیرد؟" در مجموع ۵۸/۵ درصد رای مثبت و ۱۶/۵ درصد رای منفی داده اند. ۲۰ درصد به روش نظر خواهی معترض بوده و ۵ درصد رای نداده اند.

۳- سند تدوین شده با نام و تعلق سازمانی افراد تصویب کننده در سطح جنبش برای بحث و بررسی آن انتشار مییابد.

۴- در صورت موافقت نیروهای چپ و دمکرات با انتشار نشریه "تئوریک"، در این زمینه همکاری میشود. این نشریه کار تحقیقی و پژوهشی پایه ای را گره های نظری - برنامه ای را سازمان میدهد. نمایندگان ما از این پیشنهاد دفاع میکنند.

۴- در مورد موضوع "بازگشت مهاجرین به کشور": دوازدهمین اجلاس شورا ضمن بحث پیرامون موضوع "بازگشت مهاجرین" در

تبصره: در کنفرانس انتخاب نمایندگان، در انتخابات جداگانه به تعداد کافی رزرو انتخاب میشود. در صورتی که نمایندگانی نتوانند در کنگره شرکت کنند، رزروهای هم نظر آنها به ترتیب آرا در کنگره شرکت خواهند کرد.

۳- به ازای هر پنج نفر یک نماینده انتخاب میشود. تبصره: در اجلاس هایی که تعداد شرکت کنندگان بیش از ضریب ۵ باشد، حداقل سه نفر اضافه میتوانندیک نماینده داشته باشند.

۵- نحوه برگزاری اجلاس های انتخاب نمایندگان بنا به تشخیص و تصمیم ارگانهای مسئول در هر کشور میتواند کنفرانس یا اجلاس عمومی کشوری، کنفرانس یا اجلاس عمومی منطقه ای و یا اجلاس عمومی شهر باشد.

۶- هر کس تنها در یک اجلاس، که خود اختیار انتخاب آنرا دارد، میتواند انتخاب کند و انتخاب شود.

۷- انتخابات نسبی است و شکل آنرا هر اجلاس خود تعیین میکند.

۸- تامین تدارکات و هزینه مربوط به اعزام نمایندگان به کنگره بعد از تشکیلات انتخاب کننده است.

۹- شورای مرکزی سازمان تعدادی از افراد را به کنگره دعوت خواهد کرد. کنگره درباره حق رای آنان تصمیم میگیرد.

مبارزه و رقابت به صورت آشکار و پنهان از سوی جریان مختلف حکومتی دامن زده می شود. دفتر تحکیم وحدت و انجمن های اسلامی که وابسته به جناح تندرو حکومت هستند در جاهای اخیر تحت فشار شدید دولت و جناح رسالت قرار داشته اند. چندی پیش هاشمی رفسنجانی با نمایندگان دانشجویان وابسته به گروه رسالت دیدار و گفتگو کرد. دیدار رفسنجانی با این دانشجویان در رسانه های همگانی رژیم بازتاب گسترده ای یافت و به معنای پشتیبانی رفسنجانی و دولت از این جناح دانشجویان وابسته به حکومت تعبیر گردید.

بدنال این دیدار، دفتر تحکیم وحدت - که قدیمی ترین شکل دانشجویی وابسته به رژیم و بازوی اصلی جمهوری اسلامی در سرکوب جنبش دانشجویی طی

دمکراتیک کشور ضرورت گسترش و تعمیق مبارزه در راه دمکراسی و عدالت و در خدمت جنبش ملی و دمکراتیک میهن ماست.

تجربه نشان میدهد وحدت از بالا و بدون مشارکت فعال نیروهای پایه ای جنبش، با وحدت بدون پی ریزی پایه های تئوریک - برنامه ای آن، منفی و با خطر شکست مواجه خواهد بود. لذا همکاری و اتحاد عمل نیروهای چپ و دمکراتیک کشور و تلاش پیگیر به منظور دستیابی به بنیانهای مشترک نظری، برنامه ای و تشکیلاتی در راستای وحدت این جنبش، مشی اصولی و منطبق با ضرورت های مبارزه در راه دمکراسی و عدالت در کشور ماست که باید با گامهای سنجیده، مطمئن و بدون شتاب و احساس مسئولیت از طرف نیروهای این جنبش پیگیری شود. بدین منظور:

۱- کمیسیونی جهت پیگیری و پیشبرد همکاری و اتحاد عمل این نیروها در هر صدهای مختلف، متشکل از نمایندگان سازمانهای شرکت کننده و نمایندگان منفردین تشکیل میشود.

۲- رفقای ما در کمیسیون مشترک احزاب و منفردین به تلاش خود برای تدوین سند مشترک ادامه میدهند.

۳- سند تدوین شده با نام و تعلق سازمانی افراد تصویب کننده در سطح جنبش برای بحث و بررسی آن انتشار مییابد.

۴- در صورت موافقت نیروهای چپ و دمکرات با انتشار نشریه "تئوریک"، در این زمینه همکاری میشود. این نشریه کار تحقیقی و پژوهشی پایه ای را گره های نظری - برنامه ای را سازمان میدهد. نمایندگان ما از این پیشنهاد دفاع میکنند.

۵- در مورد ساختار درونی نشریه "کار": در پی تصمیم به انتشار نشریه واحد به جای نشریات "کار" و "کثرت"، شورا ضمن تاکید بر اولویت انتشار منظم نشریه در مجموع فعالیت های سازمان تصمیماتی را در این زمینه اتخاذ کرد که قبلاً انتشار یافته است.

دبیرخانه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت ۱۲۱ رأی در بیستم ماه ۱۳۷۵

عبارت رفع شرایطی که مهاجرت به خارج راهمچنان ادامه دار ساخته است و بعنوان اقداماتی که بازگشت تاحدامکان گسترده مهاجرین و حل واقعی آن را میسر سازد، اعلام شعارهای مطالباتی زیر را تصویب نمود:

در وجه سیاسی: * تصویب قانون منع تعقیب مهاجرین سیاسی * آزادی زندانیان سیاسی، منع پیگرد، بازداشت و شکنجه، لغو سانسور، آزادی فعالیت نویسندگان و هنرمندان. * پذیرش رسمی اعلامیه جهانی حقوق بشر.

* گشایش دفاتر دائمی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، سازمان حقوق بین الملل و صلیب سرخ جهانی در ایران برای نظارت بر رعایت حقوق بشر و بازگشت امن مهاجرین.

در وجه اجتماعی: * لغو حجاب اجباری و الزامی قوانین زن ستیزانه. * آزادی سفر به خارج برای مهاجرین.

رفع تضییقات علیه اقلیت های مذهبی.

در وجه اقتصادی: * حق بازگشت به شغل قبلی و انتخاب آزادانه شغل برای مهاجرین.

تبصره: اجلاس های انتخاب نمایندگان باید از حد نصاب لازم برای انتخاب دو نماینده (حداقل ۱۰ نفر) برخوردار باشند، مگر در کشورهایی که تعداد به این حد نصاب نرسد.

۶- هر کس تنها در یک اجلاس، که خود اختیار انتخاب آنرا دارد، میتواند انتخاب کند و انتخاب شود.

۷- انتخابات نسبی است و شکل آنرا هر اجلاس خود تعیین میکند.

۸- تامین تدارکات و هزینه مربوط به اعزام نمایندگان به کنگره بعد از تشکیلات انتخاب کننده است.

۹- شورای مرکزی سازمان تعدادی از افراد را به کنگره دعوت خواهد کرد. کنگره درباره حق رای آنان تصمیم میگیرد.

مقامات نیروهای انتظامی - یک اقدام آشکار سیاسی در جهت محدود ساختن بیشتر نیروهای تندرو است. رفسنجانی در حالیکه بنحو روزافزون دم از دموکراسی میزند، در عمل همراه با متحدین بازاری خود هم چنان به فشارها و سرکوبهای سیاسی ادامه میدهد و حتی به جناح های وابسته به حکومت نیز رحم نمی کند. تلاش های رفسنجانی برای حذف رقبا خود از طریق نیروی مسلح و سرکوب، نشانگر شمول گسترده تر روشهای دیکتاتوری در رژیم اسلامی است. اکنون کسانی مورد بورش و سرکوب قرار می گیرند که خود در گسترش سرکوب و اختناق در جامعه و بویژه در سرکوب آزادی در دانشگاه ها سهمی بزرگ داشته اند.

سازمانی گذشته بوده است، نامه سرگشاده ای خطاب به رفسنجانی انتشار داد. متن این نامه سرگشاده در روزنامه سلام - وابسته به موسوی خوئینی ها - منتشر گردید. دفتر تحکیم وحدت در این نامه هاشمی رفسنجانی را به خاطر به رسمیت شناختن جریان دانشجویی وابسته به رسالت و بازار مورد انتقاد ضمنی قرار داد و خود را نماینده انحصاری دانشجویان مسلمان معرفی نمود و مدعی شد که اعضای دفتر تحکیم وحدت از طریق انتخابات آزاد برگزیده می شوند و گروه های "چند نفره" رسالت و صلاحیتی ندارند. دفتر تحکیم در این نامه انحصار گرایی در جامعه را بویژه در رادیو و تلویزیون و نماز جمعه تهران را مورد انتقاد قرار داد.

یورش به دفتر تحکیم وحدت، سازمان را بویژه در سرکوب آزادی در دانشگاه ها سهمی بزرگ داشته اند.

یورش به دفتر تحکیم وحدت، سازمان را بویژه در سرکوب آزادی در دانشگاه ها سهمی بزرگ داشته اند.

یورش به دفتر تحکیم وحدت، سازمان را بویژه در سرکوب آزادی در دانشگاه ها سهمی بزرگ داشته اند.

یورش به دفتر تحکیم وحدت، سازمان را بویژه در سرکوب آزادی در دانشگاه ها سهمی بزرگ داشته اند.

یورش به دفتر تحکیم وحدت، سازمان را بویژه در سرکوب آزادی در دانشگاه ها سهمی بزرگ داشته اند.

یورش به دفتر تحکیم وحدت، سازمان را بویژه در سرکوب آزادی در دانشگاه ها سهمی بزرگ داشته اند.

یورش به دفتر تحکیم وحدت، سازمان را بویژه در سرکوب آزادی در دانشگاه ها سهمی بزرگ داشته اند.

یورش به دفتر تحکیم وحدت، سازمان را بویژه در سرکوب آزادی در دانشگاه ها سهمی بزرگ داشته اند.

یورش به دفتر تحکیم وحدت، سازمان را بویژه در سرکوب آزادی در دانشگاه ها سهمی بزرگ داشته اند.

یورش به دفتر تحکیم وحدت، سازمان را بویژه در سرکوب آزادی در دانشگاه ها سهمی بزرگ داشته اند.

یورش به دفتر تحکیم وحدت، سازمان را بویژه در سرکوب آزادی در دانشگاه ها سهمی بزرگ داشته اند.

ضوابط انتخاب نمایندگان کنگره در خارج از کشور

- ۱- کلیه افراد تشکیلات خارج از کشور و کسانی که عضویت آنها توسط هیچ ارگان تشکیلاتی لغو نشده است، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را دارند.
- ۲- مسئولان کمیته ها و حوزه های مسئولان موظفند لیست قطعی رفقای واجد شرایط بندهیک را تهیه کنند.
- تبصره - ارگانهای مسئول سازمانی موظفند برای هر چه گسترده تر برگزار شدن کنگره از همه مشمولان بندهیک دعوت کنند که در امر کنگره دوام شرکت نمایند.
- ۳- نمایندگان از طریق انتخابات و با رای مخفی و مستقیم برگزیده میشوند.

یورش نیروهای انتظامی به دفتر تحکیم وحدت

این یورش پس از نامه سرگشاده انتقادی این دفتر به هاشمی رفسنجانی صورت گرفت از صحنه اول

امداد روز چهارشنبه اول خرداد ماه، مأمورین انتظامی حکومت، دفتر مرکزی انجمن های اسلامی دانشجویان که به دفتر تحکیم وحدت موسوم است را اشغال کردند. سخنگوی انجمن اسلامی دانشجویان در مصاحبه با روزنامه جمهوری اسلامی گفت که افراد نیروی انتظامی در ساعت ۴/۳۰ نیمه شب به دفتر تحکیم وحدت یورش آوردند و به زور واردان شدند. بنا به گفته سخنگوی فوق، مأمورین ۶ دانشجو را ساعتاً در بازداشت نگاه داشتند و بسیاری از اسناد و مدارک این گروه را ضبط کردند.

مقامات نیروهای انتظامی مدعی شده اند که اشغال و تخلیه دفتر انجمن های اسلامی در اجرای حکم دادگاه مبنی بر تخلیه ساختمان فوق بوده و جنبه سیاسی نداشته است. روزنامه جمهوری اسلامی نوشت که ساختمان مذکور که در نزدیکی کوی دانشگاه قرار دارد طبقه اول آن در اختیار دفتر تحکیم بوده است، سالها پیش از طرف دانشکده حقوق خریداری شد و حکم تخلیه ۶ سال پیش صادر شده بود، اما طی این ۶ سال اجرای حکم معوق مانده بود.

تخلیه دفتر انجمن های

اجلاس وزیران اکو در تهران

اجلاس خواستار کاهش تعرفه های گمرکی و تشکیل یک بانک مشترک بین ۳ کشور شد

اجلاس شورای همکاری اقتصادی (اکو) روزهای چهارشنبه و پنجشنبه گذشته در سطح وزیران در تهران تشکیل جلسه داد.

رئیس هیئت نمایندگی ایران در اجلاس فوق راهلی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه بر عهده داشت و وزیر مشاور امور خارجه پاکستان و وزیر مشاور در امور اقتصادی ترکیه ریاست هیئت های دو کشور فوق را بر عهده داشتند. حسن حبیبی معاون اول رئیس جمهور در جلسه افتتاحیه اجلاس شرکت کرد و خواهان گسترش همکاری های ۳ کشور در زمینه های کشاورزی، فرهنگی و تورسیم و شتاب بیشتر در این همکاریها گردید. طی اکبر ولایتی نیز طی مصاحبه ای ضمن بر شمردن زمینه های همکاری اکو گفت که اجلاس اخیر برنامه های آینده شورای همکاری اقتصادی را معین ساخت و وی تاکید کرد که این نخستین بار است که اجلاس اکو پس از احیای آن در عسال گذشته در چنین سطحی تشکیل میدهد. وزرای شرکت کننده در اکو با هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور اسلامی نیز دیدار کردند. رفسنجانی در سخنان خود تاکید

کرد که ۳ کشور امکانات و زمینه های فراوانی برای همکاری دارند که باید مورد استفاده قرار گیرد. رفسنجانی افزود: ممکن است این همکاری ها که یک قدرت منطقه ای ایجاد می کند به مذاق بعضی ها خوش نیاید. اما اکو می تواند آغازگر یک بازار مشترک اسلامی باشد. وی تصریح کرد که وزرا باید روسای جمهور کشورهای خود را بطور دقیق در جریان مسائل و پیشرفت امور قرار دهند.

در پایان اجلاس دوره اکو یک یادداشت تفاهم توسط وزرای ۳ کشور به امضا رسید. در این یادداشت کاهش تعرفه های دولتی، توسعه مبادلات تجاری، تاسیس یک بانک برای سرمایه گذاری های مشترک و بالاخره تامین اعتبار برای برنامه های عمرانی پیش بینی شده است. وزرا توافق کرده اند که در پانزده اسفند اجلاس سران ۳ کشور برگزار گردد.

توافق های اجلاس اخیر اکو را باید گامی در جهت فعال شدن پیمان ۳ کشور ایران-ترکیه و پاکستان دانست که پس از انقلاب اسلامی در ایران عملاً از هم یاشد و از چند سال پیش گام هایی

برای احیا و فعال ساختن آن برداشته شده است. ۳ کشور در تمایل خود برای تبدیل اکو به یک قدرت اقتصادی منطقه ای انگیزه های مشابهی ندارند. جمهوری اسلامی، بنا به تصریح رفسنجانی، این همکاریها را زمینه یک بازار مشترک اسلامی حداقل در سطح منطقه می داند. در حالیکه ترکیه بدلیل موقعیت اقتصادی خود و پشتهای مناسب بسیار وسیع با غرب، می خواهد از طریق این همکاریها نفوذ و بازار کالاهای خود را در منطقه گسترش دهد و این همکاریها را در راستای استراتژی بدل شدن به ابر قدرت منطقه ای خود قرار دهد. پاکستان همانگونه که مقامات آن در جریان اجلاس تلبی اکو در این کشور نیز حاضر نشان ساختند، بطور آشکارتری به احیای جنبه های امنیتی و نظامی پیمان سه جانبه برای مقابله با مشکلات متعدد خود علاقه نشان می دهد. اختلافات سیاسی ۳ کشور و بویژه جمهوری اسلامی با پاکستان و ترکیه تاکنون موانع به صورت مانعی در جهت فعال شدن شورای همکاری اقتصادی (اکو) تا سطح یک پیمان فعال اقتصادی عمل کرده است.

سالروز آزادی خرمشهر

کشاورزی و ایراد صدها میلیارد دلار خسارت بود.

اکنون پس از گذشت ۳ سال از پایان جنگ هنوز اقدامات حجم و اساسی برای بازسازی آنچه خرابیها و جبران آنهمه ضایعات که حاصل کوره نابردانه، ضدمردمی و جنگ طلبانه رژیم جمهوری اسلامی بود، صورت نگرفته است. ۸ سال جنگ و ۱۲ سال سیاست اعمال زور و اختناق و کشتار هر دو دست به دست هم دادند تا کشور ما با آنهمه منابع و ذخایر هفتاد و هشتاد و نهمین ساله با فقر اقتصادی گرفتار آید و مردمش زیر بار طاقت فرسای تامین معاش شاندها پشان بشکنند.

رژیم اسلامی در عراق بشاند و از طریق کربلا به قدس برسد. رژیم که در آن ایام سکندارش خمینی بود و مقامات کنونی گردانندگان آن، به پیشنهاد متار که جنگ عراق که در موضع ضعیفی قرار داشت و قعی نهاد و بی توحه و علیرغم آن تمایل صلح آمیز و انسانی میلیونها مردم کشور ما که سه سال جنگ و مرارت آن را تحمل کرده بودند، جنگ را ادامه داد. دامه جنگ، کشور و مردم ما را ۱۵ سال دیگر درگیر محضیت ادامه داری کرد که حاصل آن عدها هزار کشته و مجروح و معلول و اسیر و آواره و نابودی شهر و روستا و واحدهای صنعتی و

روز سوم خرداد ۱۳۶۱ نیروهای ایران پس از سه سال حائنانهی بالآخره توانستند به نیروهای عراق که به خاک میخس ما تجاوز کرده بودند در منطقه خرمشهر شکست سنگینی وارد آورند و آنها را به هفت نشینی بکشاند. با شکست ارتش صدام، خرمشهر آزاد شد و مردم به شکرانه این پیروزی به خیابانها ریختند و پایان جنگ آغاز صلح را جشن گرفتند. فافل از اینکه رژیم که اکنون دیگر نه در غم دفع تجاوز بلکه در سودای صدور انقلاب بوده، فرصت را ضمیمت یافته بود که تاجم و جنگ را ادامه دهد، کربلا را تصرف کند.



ایست با زورسی

خرمشهر

نشود. رفسنجانی، رئیس جمهور نیز در سینه حج که با شرکت ری شهری سرپرست جدید حجاج، احمد خمینی، توکلی، محمدی کیابگانی، خزعلی، حتی و جمعی از نمایندگان مجلس، مقامات لشگری و کشوری و عدهای دیگر از روحانیون تشکیل شده بود، با تاکید بر تفاوت شرایط امروز با گذشته (زمان خمینی) اطهار داشت که مادر زمان حیات امام به خدمت شان رسیدیم و ایشان فرمودند با حفظ آرمانهای انقلاب باز شود (راه حج باز شود) تا مردم بتوانند این فریضه الهی را بجا بیاورند که متأسفانه به دلیل مشکلات راه به جایی نرسید، ما نیاز نداریم که حرمهایمان را با حرکتهایی آلوده کنیم که بجای بدست دشمنان اسلام بدهد و سدره ما باشد. امروز باید شعارهای ما منطبق بر منطق و آگاهی باشد تا مورد قبول دیگر مسلمانان قرار گیرد.

مسئله کاملاً روشن است، رفسنجانی تصریح می کند که در "زمان حیات امام" توصیه های وی که باز شدن راه مسافرت به حج و مشروط به "حفظ آرمان انقلاب" کرده بود، راه به جایی نرسید و امروز که "شرایط با گذشته متفاوت است" باید شعارها منطبق بر منطق و آگاهی باشد. آشکار است نه تنها امروز بلکه دیروز و فردا و همیشه بایستی شعارها منطبق بر منطق و آگاهی و ملاحظه شرایط می بود باشد و نه تنها در موضوع حل مسئله حجاج و رابطه با مرستان، بلکه در کلیه مرصه های حیات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه. اما آنچه کارنامه رژیم تاکنون نشان داده است، جدول از چنین روشی همچنان سیاست و شعار رژیم است که طبعاً راه به جایی نخواهد برد.

بدون جنجال در مراسم حج!

بته از صفحه اول دیگر (امریکا، شوروی، اسرائیل و حتی عربستان) می کرده است. این اقدامات و تحریکات و بسیاری عوامل دیگر روابط دو کشور را تیره و به قطع آن منجر کرد.

در سال جاری یابایی روند نمود مناسبات ایران با کشورهای دیگر روابط با عربستان تدریجاً بهبود یافت و بویژه بی از پایان جنگ خلیج فارس، این روابط وارد مرحله کیفی تازه ای گردید. دورتیم پذیرفته اند مناسبات عالی خود را از سر گیرند و قرار است در تهران و ریاض سفارتخانه های دو کشور بازگشائی شود. علیرغم اینکه مقامات رژیم با اعلام مواضع متفاوت خود (از جمله از نظر جناحی) تلاش کردند در شرایط کنونی در مقابل یکدیگر مرض وجود کنند و برخی از آنها خواستند فرصت و حضور مجدد زائران ایرانی در عربستان را پس از

سه سال وقفه در جهت توصیه های گذشته خمینی به خدمت گیرند و کل رژیم تلاش کرد امتیازاتی از حکومت سعودی بگیرد ولی عملاً توفیق چندانی نصیبشان نگردید. رژیم عربستان که ابتدا با انجام هر گونه تظاهرات و احتیاج از جنبه تظاهرات به خاطر "برائت از مشرکین" مخالفت نموده بود، پس از کش و قوس های زیاد فیما بین، نهایتاً برت که زائرین ایرانی در نقطه ای دور دست، در خارج شهر بدون حضور هیچ زائر کشور دیگری بمنظور فوق، اجتماع کنند. مقامات درجه اول رژیم، خامنه ای و رفسنجانی نیز حجاج را از افراتکاری در مراسم حج برحذر داشتند. خامنه ای در دیدار با سرپرستان حج گفت: "برخی از فریضه ها را نمی توانیم که بکلی متوقف شود ولی در حدی باشد که به حیثیت جامعه انقلابی و اسلامی ایران لطمه ای وارد

توضیح و تصحیح

نویسنده مقاله "ایران کشور است، نه ملت" مندرج در نشریه شماره ۳ و ۴، طی نامه ای افلاطون جایی بخش دوم این مقاله را به ما یادآور شده اند. ضمن تشکر از ایشان اهم این اشتباهات به صورت زیر تصحیح می شود.

۱- ستون دوم پاراگراف اول، خط ششم: "فعلاً" درست نیست در ستون آن "مثلاً" است.

۲- ستون دوم، پاراگراف اول، خط چهاردهم: "زبانی و لهجه دیگری از آن آذری و لهجه دیگر آن عربی می باشد" درست نیست و درست آن "زبانی که لهجه ای از آن آذری و لهجه دیگر آن عربی

باشد" می باشد.

۳- ستون دوم پاراگراف چهارم: "نخواهد" درست نیست و درست آن "نخواهد" می باشد.

۴- ستون سوم پاراگراف اول، خط دوم: "نمی توان" درست نیست و درست آن "می توان" می باشد.

۵- ستون سوم، پاراگراف دوم، خط سوم: "اشغال شده است" درست نیست و درست آن "اشغال نشده است" می باشد.

۶- ستون سوم، پاراگراف ششم، خط چهارم: "عقب مانده اند!!!" درست نیست و درست آن "عقب مانده، نه!!!" می باشد.

رفسنجانی: مخالفین کارشکنی می کنند

تندر و هاضورت می گیرد. حرکت کنونی در پشتیبانی از رفسنجانی، یک اقدام از قبل سازمان داده شده به نظر می رسد و به تصد آمادگی کردن شرایط برای تحمیل فشارهای بیشتر به مخالفین اوست و حتی شخصیت "رژیم نظام" را نیز تحت الشعام رفسنجانی قرار داده است.

رفسنجانی می گوید تعرضات تازه راه گونه ای سازمان دهنده موجب هروج بیش از پیش او شود و راهش را به سوی دیکتاتوری فردی تثبیت کند. در روزهای آتی باید منتظر اقدامات تازه و شدیدتری علیه مخالفین درون حکومتی رفسنجانی بود.

در ایران عزای عمومی اعلام شد

بته از صفحه اول گزارشهای رسیده از تهران حاکی است که مراسم عزاداری عمدتاً به نهادهای حکومتی معطوف ماند. همزمان با اعلام عزای عمومی، جمهوری اسلامی گزارشات در مورد تشدید سرکوب شیعیان در جنوب عراق منتشر ساخت، اما علیرغم انتشار این اخبار که اساساً متوجه توجه اقدام خامنه ای بود، اعلام عزای عمومی از سوی رهبر جمهوری اسلامی با چند هفته تاخیر نسبت به زمان اوج کشتارهای جنوب عراق صورت گرفت و از آن نظر می توان گفت قبل از آنکه حرکتی در جهت دفاع از مردم عراق باشد، یک اقدام سیاسی علیه رژیم صدام حسین و نشانه ای از وخامت بیش از پیش مناسبات تهران و بغداد بود.

روابط دو رژیم با شدتی روز افزون همچنان رو به وخامت می رود. همزمان با دوم خرداد - یعنی روز عزای عمومی اعلام شده از سوی خامنه ای - روزنامه جمهوری، ارگان رسمی دولت صدام در سرمقاله خود شدیداً به حکومت اسلامی حمله کرد و شخص خامنه ای را مورد توهین قرار داد. جمهوری مدعی شد که کلیه کشتارها در جنوب عراق توسط یاسداران اهزای از طرف جمهوری اسلامی صورت گرفته و این یاسداران به جنایاتی گسترده از جمله تجاوز به زنان اقدام کرده اند. حکومت عراق با ارسال نامه هایی به دبیرکل سازمان ملل متحد، همچنان موارد متعددی از تجاوزات نیروهای مسلح جمهوری اسلامی به خاک این کشور را مورد اعتراض قرار می دهد.

همزمان با تشدید حملات تبلیغی تهران علیه صدام حسین، سفیر جمهوری اسلامی در سازمان ملل نیز در چند نامه پی در پی ادعاهای متقابل در

مورد تجاوزات عراق به خاک ایران مطرح کرد. مطابق گزارشات ایران بزرگترین تهاجمات عراق در روز ۲۲ فروردین صورت گرفته که دو تیب عراقی همراه با ۱۵ تانک در ناحیه شلجه وارد خاک ایران شده اند. جمهوری اسلامی گفته است که در طی ۲ ماه گذشته ۱۳ نفر از نیروهای ایرانی بر اثر درگیریهای مرزی کشته شده اند، ۲۶ نفر مجروح و ۴ تن اسیر گردیده اند. ادعاهای طرفین نشانه ادامه تشنج در مرزهای دو کشور و درگیریهای متعددی است که در مناطق مرزی صورت می گیرد و ابعاد نگران کننده ای یافته است.

ر کود در گفتگوهای صلح کمال خرازی سفیر جمهوری اسلامی در سازمان ملل متحد، در یک گفتگوی اختصاصی با روزنامه اطلاعات خبر داد که گفتگوهای صلح بین دو کشور، از جمله در مورد تمام مواد قطعنامه ۵۹۸ را که در دلایل رکود در مذاکرات را به رژیم عراق نسبت داد و گفت: به دلیل مشکلاتی که عراقیها در پس از جنگ خلیج فارس با آنها دست به گریبان هستند، مسئله اجرای

به خاطر انتقاد از شورای عالی امنیت ملی

نماینده مجلس به اوین احضار شد

بقیه از صفحه اول

موسوی خولینی هائش می یابد در مطلبی کوتاه به عنوان «گلایه دوستان» در پیش شماره ۲۳۹ اردیبهشت ماه نوشت که به تقاضای شورای عالی امنیت ملی یکی از نمایندگان مجلس به دادگاه انقلاب فراخوانده شده است تا نسبت به نطق قبل از دستور خود توضیح دهد. بگفته این روزنامه این واقعه از امکان سلطه و نفوذ در کار قوه قضائیه برده برمیآورد و قوه قضائیه که استقلالش بعنوان یکی از سه نهاد اصلی کشور تضمین شده است به اقتضای مسائل سیاسی و در تبعیت از شورایی که قانوناً هیچ سختی با قوه قضائیه و قضاوت ندارد، نماینده مردم را بدون در نظر گرفتن حریم هائی که قانون برای نماینده مردم در نظر گرفته است، احضار میکند. این روزنامه اضافه میکند شورای عالی امنیت ملی، قوه قضائیه و دادگاه انقلاب به میدانی آمدند که در آن جز تحقیر قانون و مخدوش کردن مرزهای آن هیچ رسالتی مشهود نیست. این رسالت اگر در جهت دفاع از منافع و امنیت عمومی و ملی انجام میشود شاید توجیحی بر آن متصور بود، اما در خلاف این جهت و به منظور دست بابی به افراط خاص سیاسی، چه توجیحی برای آن میتوان یافت؟

شورای عالی امنیت ملی ظاهراً در رابطه با اتخاذ تصمیم در زمینه مسائل دفاعی و امنیتی کشور تشکیل شده است ولی در عمل تصمیمات اصلی حکومت از جمله مسائل مهم مربوط به سیاست خارجی در جلسات این شورا اتخاذ می شود. این ارکان

جایگزین هیئت دولت در زمینه مسائل مهم سیاسی کشور شده است. در این شورا تنها عده معدودی از وزرا کابینه شرکت دارند. مهاجرانی در مقاله خود در روزنامه اطلاعات بیکی از این موازد مهم و جنجال برانگیز اشاره کرد. او نوشت که تصمیم مربوط به آزادی راجر کوپر در شورای عالی امنیت ملی گرفته شده است مجلس شورا که قاعدتاً می بایست بر همه ارگانهای اجرائی نظارت کند و کار آنها را مورد بررسی قرار دهد هیچ نقشی و وظیفه ای را نمی تواند در رابطه با شورای عالی امنیت ملی پیش ببرد. قنطاریس مجلس عضو این شورا است. نمایندگان مجلس از طریق روزنامهها در جریان تصمیمات این ارکان قرار می گیرند. این مسئله در سخنان حائری زاده نماینده شهر بیرجند آشکارا دیده میشود. او بعد از احضار صالح آبادی به اوین در جلسه ۲۲ اردیبهشت ماه مجلس شورا شدیدا «به مجمع تشخیص مصلحت نظام» و «شورای عالی امنیت ملی» حمله کرد و گفت «اکثریت عظیمی از نمایندگان از کم و کیف تصمیمات مجمع تشخیص مصلحت نظام و تصمیمات بسیار تعیین کننده و مهم شورای عالی امنیت ملی بی اطلاعند. اطلاعات مادر این موارد در حد اطلاعات روزنامه هاست. در برخی موارد مجمع تشخیص مصلحت و شورای عالی امنیت ملی هتک به قانون کرده اند و حق مجلس ضایع شده است. هیچ کدام حق قانون گذاری ندارند، قانون گذاری حق مجلس است، کار مجلس را به مجلس به هیئت اطلاعات و آمار و تحلیل های لازم همراه با لوائح قانونی و قضائی به مجلس

بفرستید تا مجلس و مجلسیان به کارهای محترم بپردازند و مجلس دچار روزمرگی نشود.»

انتقادات نمایندگان در مجلس شورا و واکنش مقامات دولتی، این مسئله را آشکار تر ساخته است که در طی حکومت رفسنجانی بر بالای مجلس شورا و هیئت دولت ارکان هائی بوجود آورده اند که بخشا جایگزین آنها شده اند. در این ارکانها هم قوانین مهم کشوری تدوین و تصویب میشود و هم سیاستهای رژیم در زمینه مسائل خارجی، امنیتی و دفاعی و سایر مسائل مهم بررسی و تصمیم گیری میشود. هیئت دولت صرفاً به ارکان اجرائی قوانین مصوب و سیاستهای اتخاذ شده دیگر ارگانها تبدیل شده است و در سیاست گذارهای مهم کشور نقش چندانی را بازی نمی کند. علاوه بر این سیستم دایره اختیارات و عملکرد مجلس شورا محدودتر میشود و مرتباً از اعتبار و اهمیت آن کاسته میگردد. اکنون وضع بگونه ای شده است بجای اینکه مجلس شورا بر طبق قانون اساسی بر ارگانهای اجرائی کشور نظارت کرده و آنها را مورد پرسش قرار دهد. این ارکانهای اجرائی هستند که از طریق قوه بظاهر مستقل قضائی نماینده مجلس را به اوین میکشاند و او در مورد کسختناری پیش از دستور بازجویی میکنند.

جناح حاکم با این اقدام میخواهد دور این دو ارکان حریم بکشد و آنها را محصور از انتقادات سازد تا بدین وسیله سیاستهای خود از طریق آنها پیش ببرد. واکنش تند جناح حاکم نسبت به سخنان صالح آبادی، این مسئله را بوضوح نشان میدهد.



قربانعلی صالح آبادی نماینده مشهد

احضار نماینده مجلس به اوین بخاطر صحبت هایش در مجلس شورا نشانگر ائتلاف خامنه ای - رفسنجانی برای بی اعتبار کردن مجلس شورا و کاستن از نقش آن در حیات سیاسی کشور است. آنجا در حقیقت به مجلس شورایی میگویند که نباید با راز حریم خودت بیشتر دراز کنی و گرنه با دادگاه و بازجویی مواجه خواهی شد. در همین حال این مسئله فشار به جناح تندرو است. ائتلاف حاکم در تلاطم حملات خود به این جناح تا آنجا پیش رفته است که برای اولین بار بطور علنی نماینده مجلس را به دادگاه کشانده است. طبعاً این اقدامات در صورت تداوم انتقادات به بازداشت و محاکمه خواهد کشید.

جناح تندرو نیز در این رابطه عقب نه نشست و انتقادات خود را ادامه داد. جماعت تند حائری زاده به «شورای عالی امنیت ملی» و «مجمع تشخیص مصلحت» بعد از احضار صالح آبادی به اوین و مطلب روزنامه سلام حاکمی از ایستادگی جناح تندرو است. جناح تندرو که خود را نماینده اصلی سرکوب های و حشیانه طی سالان گذشته بوده است، به دنبال اقدامات اخیر ائتلاف حاکم اکنون به نگر تاملین آزادی فعالیت خود افتاده است و تلاش می کند امکانات و شرایطی را از هم اکنون فراهم آورد تا در صورت رانده شدن از دوره آتی مجلس شورا، بتواند به فعالیت خود ادامه دهد.

فرهنگنامه روز

شورای عالی امنیت ملی

دستگیری قربانعلی صالح آبادی نماینده مشهد در مجلس شورای اسلامی و بازجویی از وی به خاطر اظهاراتش در انتقاد به شورای عالی امنیت ملی، نام این ارکان امنیتی را بیش از پیش بر سر زبان ها انداخت. تشکیل نهادی به نام «شورای عالی امنیت ملی» در متمم قانون اساسی جمهوری اسلامی که در تابستان سال ۶۸ به تصویب رسیده، پیش بینی گردید. این نهاد در واقع جانشین شورای عالی دفاع شد. که در زمان جنگ ۸ ساله تشکیل و وظیفه هدایت جنگ را بر عهده داشت. در متمم قانون اساسی هدف از تشکیل این ارکان تأمین منافع ملی، پاسداری از انقلاب اسلامی، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی تعریف شده است. این نهاد که وظیفه هماهنگی ارکان های نظامی و امنیتی متعدد جمهوری اسلامی را بر عهده دارد، دارای ۲ شورای فرعی به منظور تأمین امنیت داخلی و دفاع خارجی است. ترکیب اصلی شورای عالی امنیت ملی مرکب از رئیس جمهور، نماینده رهبر، و وزرای کشور، خارجه دفاع و اطلاعات می باشد.

قائم مقامی رفسنجانی پس از به دست گرفتن مقام ریاست جمهوری، در یکی از نخستین اقدامات خود، تشکیل شورای فوق را در نیمه دوم شهریورماه سال ۶۸ اعلام کرد. علاوه بر ۴ وزیر یاد شده رفسنجانی «حسن روحانی» را در مهر ماه سال ۶۸ به سمت مشاور خود در امور امنیت ملی و دبیر این شورا منصوب نمود. خامنه ای نیز در آبان ماه همان سال سید احمد خمینی و شیخ حسن روحانی را به سمت نمایندگان خود در شورای عالی امنیت ملی برگزید. او در حکم خود به مناسبت انتصاب احمد خمینی، وی را مأمور ارتباط شورا با خود نمود. تصمیمات شورای عالی امنیت ملی، باید به تصویب مقام رهبری جمهوری اسلامی برسد. علاوه بر افراد فوق محمدی کروبی رئیس مجلس نیز در شورا شرکت دارد.

جلسات شورای عالی امنیت ملی محرمانه است و نتایج آن تصمیمات آن از سوی دبیر شورا که هملاً نقش سخنگویی آن را بر عهده دارد اعلام می شود. شورای عالی امنیت ملی در عمل به ارکان مانوق تمام ارکان های متعدد جمهوری اسلامی بدل شده است و تصمیمات مهم سیاسی - نظامی و امنیتی در آنجا بررسی و تصویب می شود. تصمیمات مهم نظیر سیاست جمهوری اسلامی در قبال جنگ خلیج فارس - سیاست خارجی و سیاست های عمومی مربوط به امنیت داخلی در این ارکان اتخاذ شده و می شود.

شورای عالی امنیت ملی خارج از کنترل مجلس، شورای عالی قضایی و دولت قرار دارد و به طور مستقیم توسط رفسنجانی و خامنه ای کنترل می شود. این نهاد اکنون در تسلط کامل ائتلاف رفسنجانی - خامنه ای است و این جناح از این طریق، سیاست های مهم خود را بدون اطلاع، مشورت و نظر مجلس شورای اسلامی - که تحت کنترل جریانات تندرو است - پیش می برند. به دلیل ترکیب غالب جناح مذکور در این شورا، عملکرد آن بیش از گذشته مورد انتقاد تندروها قرار گرفته و آنها خواهان نوبی کنترل مجلس بر شورای عالی امنیت ملی و با دست کم مشاورت در تصمیم گیری های آن هستند. اما دستگیری نماینده مشهد، نشان داد که سران رژیم، انتقاد به این ارکان حساس را تحمل نمی کنند و تصمیم ندارند اجازه دهند، شورای عالی امنیت ملی، به مثابه عالی ترین نهاد تصمیم گیری - دستخوش مبارزات جناحی گردد.

از رویدادهای ایران

شکست سیاست صادراتی دولت

بنا به پیش بینی برنامه پنج ساله می بایست در سال ۱۳۶۹ از طریق صادرات غیر نفتی ۳ میلیارد دو ۳۰۰ میلیون دلار حاصل شود. در حالیکه به گفته وزیر صنایع سنگین مجموع ارزش حاصله از صادرات غیر نفتی در سال گذشته در حدیک میلیارد دو ۲۰۰ میلیون دلار متوقف ماند. وی در «گروههای خوددکفائی صنعتی» سخن می گفت هم چنین افزود در طول حاکمیت جمهوری اسلامی تنها ۳۰۰ میلیارد دلار در بخش صنعت سرمایه گذاری و مجموعه سرمایه گذاری های صورت گرفته ۴۵ میلیارد دلار بوده است.

در رد اظهارات وزیر صنایع سنگین، الویری رئیس کمیسیون برنامه و بودجه ملی سخنانی در مجلس اظهار داشت ارزش حاصله از صادرات غیر نفتی در سال گذشته تنها ۱۸۰ میلیون دلار بوده است. به گفته الویری سیاست صادراتی دولت رفسنجانی شکست خورده است.

مدیر روزنامه خراسان به تعزیر محکوم شد

بدنبال شکایت روزنامه رسالت از مدیر مسئول روزنامه خراسان، دادگستری مشهد اقدام به احضار و جلب وی کرد. علت شکایت درج مطلب طنز گونه ای در روزنامه خراسان بود که روزنامه رسالت مورد انتقاد قرار گرفت.

به زعم مسئولین رسالت و تأیید دادگستری مشهد این مطلب حاوی افترا بود. از این رو مسئول روزنامه خراسان به دلیل نشر اکاذیب مجرم شناخته شد و به تعزیر محکوم گردید. هنوز از اجرای حکم تعزیر خبری منتشر نشده است. روزنامه خراسان در مشهد منتشر می شود.

تولید کارخانجات خودر کشور

تولید کارخانجات خودر کشور

نصف ظرفیت آنهاست

ظرفیت تولید مجموعه کارخانه های اتومبیل سازی کشور ۱۲۰ هزار واحد در سال است. با وجود این در سال جاری مجموعه تولید این کارخانه ها به ۶۰ هزار دستگاه نیز نخواهد رسید. این خبر را رئیس کمیسیون صنایع و معادن مجلس در مصاحبه ای با روزنامه اطلاعات اعلام کرد. وی در زمینه گرانفروشی تولیدکنندگان داخلی اتومبیل به نمونه رنو اشاره کرد که بجای فروش آن بر مبنای هر دلار ۸۰۰ ریال باید ۵۴۰ هزار تومان باشد. در حالی که آنها دلار را به قیمت ۶۰۰ ریال دریافت می کنند و بنوعی قیمت هر دستگاه رنو باید از هم کمتر شود. با وجود این کارخانه تولید کننده رنو که شرکت دولتی سایپاست هر دستگاه رنو را به بجای ۹۵۰-۸۵۰ هزار تومان به فروش می رساند.

به گفته مقام مزبور، با بجای متوسط ۸۰۰ هزار تومان برای هر خودرو، بازار داخلی ظرفیت جذب سالانه ۱۰۰ هزار دستگاه سواری را دارد اگر چه بنا به بعضی برآورد ها این رقم به ۲۰۰ هزار نیز می رسد.

۴ فرنگی کار ایرانی

به قهرمانی آسیا رسیدند

مسابقات کشتی فرنگی قهرمانی آسیا که در تهران برگزار گردید با قهرمانی تیم کره جنوبی پایان یافت. تیم کره جنوبی با ۴۷ امتیاز موفق شد تیم ایران را که با ۴۳ امتیاز دست یافت، پشت سر گذارد. با وجود این فرنگی کاران کشور ما به لحاظ تعداد مدالهای طلا به مقام نخست دست یافتند. تیم ایران صاحب ۴ مدال طلا و ۲ نقره گردید.

تولید ناخالص ملی در حد تولید سال ۵۴ است

نیلی معاون سازمان برنامه و بودجه اعلام داشت که تولید ناخالص ملی در سال ۶۸ بر پایه قیمت ثابت سال ۵۴ به حد تولید سال ۵۴ رسید. نیلی با اعلام این خبر پذیرفته است که جمهوری اسلامی سطح تولیدات کشور را به اندازه ۱۴ سال عقب تر برده در عین اینکه طی این مدت جمعیت کشور یک و نیم برابر شده است.

نیلی که در مصاحبه با خبرنگاران روزنامه های کشور سخن می گفت همچنین اظهار داشت جمهوری اسلامی اقداماتی از قبیل حذف تدریجی سوبسیدها، کاهش ارزش برابری ریال، واگذاری واحدهای دولتی به بخش خصوصی، خصوصی کردن تجارت خارجی و... را مستقلاً در پیش گرفته است و ناشی از فشارهای صندوق بین المللی پول و با بانک جهانی نبوده است!

چند خبر کوتاه:

- ریشمیری دادستان کل کشور از سمت خود استعفا داد. علتی که برای این استعفا ذکر شده مسئولیت تازه ریشمیری در سرپرستی حجاج ایرانی است.
- در سال جاری قریب ۱۰۰ میلیارد ریال سهام کارخانه های دولتی و ملی شده به سرمایه داران بخش خصوصی واگذار خواهد شد. نعمت زاده وزیر صنایع با اعلام این خبر یادآوری کرد سهام واگذار شده در سال گذشته تنها ۱۰ میلیارد ریال بوده است.
- روزنامه بیان که به سرپرستی محتشمی نماینده مجلس و وزیر پیشین کشور منتشر می شود، چندین ماه از انتشار بازماند. شماره ۹ بیان پس از چندماه تاخیر در اردیبهشت ماه توزیع گردید. ظاهراً علت تاخیر انتشار مشکلاتی از قبیل صدور و اجرای حکم تخلیه ساختمان دفتر بیان توسط قوه قضائیه بوده است.
- روز دوشنبه این هفته سعیدالفیض وزیر امور خارجه بهرستان وارد تهران شد. این نخستین دیدار یک مقام بلند پایه سعودی از ایران است. در این دیدار طرح امنیتی منطقه ای در دستور بحث قرار دارد.
- در جریان مانور دریائی نیروهای مسلح ایران در

مبانی خطمشی حزب دمکراتیک چپ ایتالیا

در پانزده سال گذشته، رهبری حزب کمونیست ایتالیا در کنگره این حزب طرحی را برای تغییر نام حزب به حزب دمکراتیک چپ (ح. د. چ.) ارائه داد که مورد پشتیبانی اکثریت نمایندگان کنگره قرار گرفت. مستکر اصلی طرح، آکنله اوکتو دبیر کل حزب بود. نوشته حاضر، متن تفصیلی پیشنهاد است که همراه با توضیح مبانی خطمشی حزب دمکراتیک چپ ایتالیا است.

نام و نشان

پیشنهاد میشود حزب کمونیست ایتالیا (ح. ک. ا.) در کنگره بیستم حزب نوینی ایجاد کند و این حزب نوین، نام حزب دمکراتیک چپ (ح. د. چ.) را بر خود داشته باشد. این نام، نشأت گرفته از اندیشه سترگی است که مبانی خطمشی نیروهای ترقیخواه در عرصه جهانی را تعیین میکند:

اندیشه دمکراسی بمثابه راه رسیدن به سوسیالیسم. پیشنهاد میشود نشان جدید، در برگیرنده درخت بزرگ و استوار چپ باشد - درختی که نماد در صورت نضج گرفتن ریشه های جدید در کنار ریشه های کهن، و تغذیه درخت از آنجا، بیوسسته نیرومندتر خواهد شد. پیشنهاد میشود در میان ریشه های درخت، نشان کنونی حزب بگونه کاملاً مشهودی دیده شود. نشانی با دو پرچم کنار هم، داس، چکش و ستاره. بدین ترتیب، نشان جدید علاوه بر ابزار کار کهنی که نمودی از کارکرد تاریخی جنبش کارگری است، اصابت رابطه با طبیعت و هدف هماهنگی بشریت با خود و با طبیعت را در فعالیت حزب جدید، به تصویر میکشد. رنگ سبز که با رنگ سرخ در می آمیزد، پیام آوری زندگی، امید و مبارزه برای آینده است.

حزب نوین و نام نوین، نتایج منطقی کل تحلیلهای صورت گرفته و در عین حال، آغاز تحلیلی نوین با چشم داشت به هدف بزرگ سوسیالیسم است. از این رو، پرچم حزب نوین، پرچم سرخ خواهد بود.

حزب نوین

کارکرد اصلی حزب نوین، ادامه راه طولانی جنبش کارگری به سوی اهداف نوین است، راهی که هلیس فم شکستجا و خطاهای برای طبقه کارگر نه تنها شرایط بهتر زندگی، بلکه همچنین رشد استقلال فکری و سیاسی را به ارمغان آورده است. اکنون، باید به حسی کیفی دست زد: انسانی کردن کار و یگانگی آن در همه اجزا و اشکال آن و دفاع از اصلاحات، از جمله اصلاحات فکری و معنوی که جامعه در آستانه هزاره سوم بدان نیاز آید دارد. از این رو، حزب دمکراتیک چپ یک حزب مردمی و توده ای، دمکراتیک و اصلاح طلب خواهد بود. حزبی که انتقاد از جامعه سرمایه داری را نه از الگوهای مجرد، بلکه از مبارزه روزمره برای قلیه بری عدالتی های ناشی از ساختارهای استثمارگرانه و سلطه حویانه، و ناشی از تقسیم جامعه به طبقات و دو گروه حنسی، و مبارزه برای رهایی واقعی مردم می گیرد. ح. د. چ. می خواهد حزب زنان و مردان باشد، حزبی که اساس آن بر پذیرش دو حنسی بودن بشریت است و هر دو جنس را فرامی خواند که تفاوت های میان خود را به انضمام اختلافات و تضادهایی که از آن ناشی میشود، بپذیرند و کمک کنند که تضاد و اشکالی یافته شود که به هر تضاد امکان دهنده شناخت متقابل، رشد و آزادی باری رساند.

حزب جدید، برای انتقاد مستقل زنان از نظم کنونی جامعه و اشکال موجود سیاست، ارزش قائل است و متعهد میشود که از اهداف نوین جنبش حق طلبانه و رهایی زنان دفاع کند. حزب، کارکرد سیاسی متفاوت زنان را به رسمیت شناخته، به برابری فرصت ها در فعالیت سیاسی و مشارکت در رهبری سیاسی باری می رساند. حزب از این طریق برای تغییر تناسب توأمیان دو جنس اقدام میکند. حزب نوین، حدود سیاست را شناخته و می پذیرد: مرزهای سیاست در رابطه با دعوی نمایندگی وجدان هر عضو حزب، در رابطه با پایداری عناصر، جنبش ها و سازمانهای جدید در جامعه، در رابطه با نهادهای موجود حزب، به منطق بوروکراتیک و فرقه گراییانه تشکیلات خاتمه داده، خود را به روی ایفای نقش فعال و خلاقانه غیر حزبی ها و توانایی های آنان می گشاید. مهمتر از همه، حزب در صدد بازایی اعتماد نسل جوان و تبدیل شدن

به تقله اتکایی برای آن است، برای همه جوانانی که با شیوه های کهنه سیاستمداری احساس یگانگی نمی کنند و خواستار جامعه ای عادلانه تر و آزادترند. این همه، مستلزم آن است که بر هر نظم "رهبر گراییانه"، "نخبه گراییانه" و الیگارشیکی قلمه کنیم. کارکرد رهبری باید در معرض کنترل موثر، دائمی و دمکراتیک قرار گیرد. کنترل دمکراتیک و توانایی اتخاذ تصمیمات سریع و موثر، مکمل یکدیگرند. ح. د. چ. به هیچوجه یک تکمل آثار شیبستی نیروها بدون برنامه مورد وفاق و زنده نیست. حزب، به اختلافات درون خود نه عنوان عوامل جدایی و تفرقه، بلکه بمثابه عنصر برابری و فعال در ایجاد وحدت از طریق پلورالیسم تضمین شده داخلی می نگرد. اختلاف و عدم توافق، از ارزشهای اصلی دمکراسی اند. یک نیروی دمکراتیک و اصلاح طلب امروزی، تنها زمانی میتواند زندگی داخلی خود را با موفقیت پیش برده که اساس را بر پذیرش این ارزشها بگذارد.

اما این امر از ضرورت یارحانکه داشتن اصول و کارکرد مسئولیت و همستگی، که بدون آن هیچ جمع متشکلی از مردان و زنان نمی تواند حیات خود ادامه دهد، نمی گاهد. ما می خواهیم حزبی ایجاد کنیم که در آن، سمتهای مختلف فرهنگی همزیستی داشته باشند، مسئولیت و آزادی تک تک افراد، اصل بنیادین در جلوگیری از به نفاذ کسب شده شدن جریانات باشد. حزب باید در هر صحنه حضور در نهادها، در عمل و در رهبری سیاسی، متحد باشد و این مستلزم آن است که اصل رای اکثریت را بطور کامل بپذیریم. این اصل، امکان تغییر رای اکثریت را نیز شامل میشود. کنار گذاشتن سانترالیسم دمکراتیک، جدایی صریح از سنن کمونیسم بین المللی و کمونیسم در ایتالیا است.

ح. د. چ. در عین حال در صدد حفظ برخی مشخصات تجربه ح. ک. ا. است، مشخصاتی که به حزب امکان داده اند در جامعه ریشه های همبند داشته باشد؛ ما به ویژه بر این اتکا داریم که حزب مانند یک جمع متشکر عمل می کند. حزب بدین اکتفانمی کند که خواستجا و نیازهای مردم را بازتاب دهد، بلکه مردم را بر می انگیزد، آنان را متشکل میکند و جهت میدهد و از این طریق به رشد شعور مستقل سیاسی مردم کمک میکند. حزب دارای خصلت توده ای است. حزب تنها به بازتاب دادن تضادهای یک جامعه بپیچیده اکتفانمی کند بلکه می خواهد به یورشها پاسخ نیز بدهد. از این رو، حزب، نیازمند به تشکیلاتی بزرگ و پیچیده است که هدف آن دستیابی به ریشه های نوین و گسترده تری در جامعه است. حزب، دارای خصلت ایدئولوژیک نیست. یک فرد می تواند مستقل از اعتقادات فلسفی، مذهبی اش و تنها بر اساس اهداف سیاسی و برنامه ها به حزب بپیوندد. نگرش ح. د. چ. به جریانات مختلف فکری، فلسفی و مذهبی و اتحاد آنها در هر صحنه برنامه ها، با الهام از این میراث بمثابه مناصری می نگرد که نقش اساسی در ایجاد فرهنگ و کارکرد نوین سیاسی دارند. بنابراین، برای حزب جدید، برنامه ابزار اصلی در ایجاد اتحادهای اجتماعی و سیاسی است، ضمن آنکه رابطه میان آرمانهای اصلی، ارزشها و برنامه باید روشن باشد.

ح. د. چ. می خواهد حزبی باشد که برای کمک به کارکرد سراسری و واحدش، الگوی سانترالیستی را کنار گذاشته، به یک الگوی غیر متمرکز و خودمختاری گرا روی آورده، تقسیم بندی منطقه ای را به اساس ساختار حزب تبدیل می کند.

کار پایه فکری و سیاسی ح. د. چ.

۱- تصمیم به ایجاد ح. د. چ. ادامه کارکرد کمونیستهای ایتالیا در تاریخ کشور و تنها تضمین برای به هدر نرفتن بهترین بخش از میراث سیاسی و معنوی حزب است. هویت یک حزب بزرگ متشکل از عناصر بسیار است: تاریخ، ارزشها، امیدها، نهادها، تجارب جمعی. اما در تحلیل نهایی، هویت حزب در کارکرد تاریخی - سیاسی آن، در توانایی حزب برای تبدیل به پیشاهنگ تاریخ کشور است. حزب کمونیست ایتالیا از آن رو بزرگ و متمایز از احزاب کمونیست دیگر بود که این توانایی را در لحظات تاریخی از خود نشان داد و مادرست به این خاطر که می خواهیم این توانایی را حفظ کنیم، به نفع خود اقدام می کنیم.

یک مرحله کامل از تاریخ جمهوری به سر میرسد. بحران سیاسی و ساختاری سختی پدیدار شده است. این بحران، ناشی از نظام قدرتی است که نیروهای فوق قانونی و مرموز را ایجاد کرده است. این نیروها

اسبب جدی به دولت دمکراتیک برآمده از جنبش مقاومت وارد آورده اند. امروز، نو سازی دمکراتیک دولت ضرورت یافته است. رسوایی های بی اهمیت درباره نقض ساختارهای ینحانی در استراتژی تشنج و استفاده آنها از تئوریسم، در هر حال روشن شدن حقیقت و دمکراتیزه کردن دولت را ضروری کرده است. ما با تصمیم به تغییر خود، می خواهیم نیرویی ایجاد کنیم که قادر به اقدام برای قلیه بر بحران جمهوری و سوق دادن آن به سوی یک راه حل مثبت و نوین باشد. ما می خواهیم روندی را آغاز کنیم که همه احزاب و در وهله اول چپ را وادارد خود را همیقانون سازی کنند. این، شرط ایجاد یک اکثریت واقعی است. به بیان دیگر، ما خود را متحول می کنیم تا دمکراسی ایتالیایی را احیاء کنیم.

در شرایط ایجاد شده بر اثر تحولات دوران ساز نظام جهانی ح. د. چ. می خواهد به تحقق یک نظم بین المللی دگرگون کمک کند، نظمی که بر اصل نفی اعمال قهر استوار باشد و صلح و امنیت مشترک را تضمین کند. حزب می خواهد به وحدت اروپا بر پایه استقلال ملت های آن، به ایجاد رابطه جدید مبتنی بر همستگی و همکاری میان شمال و جنوب جهان، به گسترش دمکراسی تا همه عرصه های زندگی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی باری رساند. حزب دمکراتیک چپ در حجه نیروهایی است که در سراسر اروپا، ارزشها و مضامین سوسیالیسم و دمکراسی را احیا می کنند. قصد ما در بیوستن به بین الملل سوسیالیست بر این امر مبتنی است. ما با طرح این مسئله از اصول مشترکی حرکت می کنیم که باید پایه عملکرد سیاسی باشد. ارزش گذاری برای دمکراسی سیاسی و پلورالیسم و ارزشهای آزادی و برابری بگونه ای که در آخرین کنگره بین الملل سوسیالیست مور د تاکید قرار گرفت. این اقدام ما، بر زمینه روابط سیاسی گسترش یافته ای است که در سالهای اخیر شکل گرفته است. ما می دانیم که میان حزب ما و نیروهای چپ اروپا، همکاری برنامه ای فزاینده ای وجود دارد. ما مایل به مشارکت در تحزیه و تحلیل مستقل ثنوریک و عملی جاری در چپ اروپا هستیم. هدف ما، کمک به روند نو سازی همیق حزب است. در این روند باید جریانات مختلف فکری و سیاسی مشارکت کنند: جریانات سوسیالیست، لیبرال، مسیحی، لیبرال دمکرات و جریاناتی که از جنبش صلح طلبانه، فمینیستی و اکولوژیک فرامیرویند. ضروریات نشأت گرفته از وابستگی متقابل، رابطه شمال و جنوب، اتحاد اروپا، مبارزه برای دمکراسی اقتصادی و قلیه بر تقسیم کار میان دو جنس، اندیشه ای جدید درباره سوسیالیسم را شکل میدهند که کلکی متفاوت از اندیشه قبلی است، اندیشه ای که متعلق به دوران صنعتی شدن، رشد کمی، تقسیم جهان به دولتهای ملی و دولت گرایی بود.

در کنگره هجدهم حزب کمونیست ایتالیا، فرهنگ سیاسی نوینی نمود یافت که تا دوام تجارب قبلی نبود، بلکه یک گسست از آن محسوب میشد، گسستی که ضرورت برخورد به مسائل فزاینده جهانی با "انگیز فکر نوین" آن را تحمیل کرد. تصمیم به ایجاد یک حزب نوین، در انطباق با عناصر نوینی است که در جهان کنگره، مبانی و اندیشه راهنمای حزب ما را تغییر داد. بنابراین، پیشنهادها نتیجه فروپاشی "سوسیالیسم واقعا موجود" نیست. کمونیستهای ایتالیا از هنگامی که به دنبال پیروزی بر فاشیسم به برنامه ریزی مستقل اقدامات خود پرداختند، تقلید از آن الگوها را کنار گذاشتند. کمونیستهای ایتالیا راه مستقلی را انتخاب کردند که بر پیوند ناگسستنی میان دمکراسی و سوسیالیسم استوار بود. بنابراین، مانیازی به نفع تاریخ و سنن خود برای پاکداشتن به دوره ای جدید نداریم. آنچه مبتنی تصمیم ماست، تحولات سترگ جهانی و وظایف جدیدی است که این تحولات در پیش روی همه نیروهای چپ می گذارد. تنها یک نوع سیاست با مرحله کنونی تحول تاریخ بشری خوانایی دارد: سیاست دمکراسی بمثابه هدف و وسیله. دمکراسی باید به بنیای مناسبات میان دولتها و زندگی داخلی آنها تبدیل شود. این ضرورت شامل کشورهای رشد یافته نیز هست. فکر گذشته ما که ضروریات رشد سریع تر، رژیم های سیاسی و هیات های حاکمه خودکامه را توجیه می کند، نادرستی خود را نشان داده است. آنهایی که در مشی سیاسی ما خطر تنزل مابه سطح رادیکالیسم یا دمکراسی لیبرال را می بینند، درک نکرده اند که دمکراسی یک پوسته جدا از منافع و تضادهای جامعه نیست. دمکراسی، نه یک شکل ایستا و تغییرناپذیر جدا از تحول روابط اقتصادی و اجتماعی، بلکه تلمرویی است که در آن، تضادها اشکال سیاسی به خود میگیرد و از سطحی که "گرامشی" آن را سطح "اقتصادی-کورپوراتیو" می نامید، فاصله میگیرد. با توجه به تجربه تاریخی پرتلاطم کشورهای شرقی نیز نهادهای دمکراتیک، تنها ارگانهایی هستند که در آن عناصر فعال اجتماعی امکان می یابند آزادانه تشکل یابند. بسندیکاها، اتحادیه ها، جنبشها، احزاب، تضاد

از جمله تضاد طبقاتی، از میان نمی رود و خنثی نیز نمی شود بلکه شکل فنی تر و عالی تری از بروز به خود میگیرد، شکلی که نه گرایش متقابل نیروها به نابودی یکدیگر، بلکه محدود کردن متقابل و تاثیر گذاری متقابل است. "دمکراسی فربی" بگونه ای که امروز می شناسیم نیز تاریخی دارد و همواره یکسان نبوده است. این دمکراسی، نه شره خطی سنت لیبرالی، بلکه نتیجه تحول دائمی است. در این تحول، بیشترین نقش را تضادها و ارزشهای عدالت و برابری مورد تاکید جنبش کارگری و سایر نیروهای فعال در این قرن داشته اند: جنبشهای آزادیخواهانه زنان، جنبش های الهام گرفته از مذهب، جنبش های صلح طلبانه، جنبش های حقوق مدنی. از این رو نادرست است اگر در پیروزی های دمکراسی شکست خود را ببینیم. دمکراسی، نظامی از قواعد و نهادهاست که ارزشهای راهنمایی معینی دارد: آزادی، برابری، عدالت، خودمختاری فرد. میان ارزشهای مختلف، نوعی تنش وجود دارد و نیز میان نیازهایی که پدید می آید و نیروهای جدیدی که باید خود را به کرسی نشانند. نوع حل این تنشها و تضادهای ناشی از آن توسط عناصر کهنه و نو، تشکیل دهنده درجه تکامل تاریخی دمکراسی است. امروز دمکراسی در برابر مسئله جدیدی قرار دارد که زنان بمثابه عنصر فعال سیاسی آن را مطرح کرده اند. بنابراین، دمکراسی روندی است که هیچگاه به پایان نمی رسد و از این رو گسترش یافته و دارای قابلیت انطباق بی پایانی است. نمی توان به سوسیالیسم بمثابه الگویی مجرد نگریست. دمکراسی، راه رسیدن به سوسیالیسم است.

۲- از سال ۱۹۸۹ بدین سو، سیر تاریخ جهان تغییر کرده است. این تغییر، سترگ تر و همیق تر از حدی است که پیش بینی میشد. در شرق نه تنها رژیم های سیاسی خودکامه در هم شکسته اند، بلکه شکست الگوهای آنها برای جامعه ثابت شده است. این امر، از اهمیت سترگ و تاریخی گسست ۱۹۱۷ که آغازگر روند بزرگ رهایی بشر در مقیاس جهانی بود، نمی گاهد. با این حال، جنبش بین المللی کمونیست توانست مسئله ای را که فرا روی خود قرار داده بود، بطور مثبت حل کند: کمک به رهایی موثر کار و ایجاد یک نظم اجتماعی و نظام قدرت که در آن انسانها آزادتر و برابرتر باشند. آغازی نو برای چپ، در وهله اول به معنای گرفتن این درس از تجربه سوسیالیسم واقعا موجود است که یک قدرت دگرگون، تنها میتواند بر دمکراسی بر آزادی واقعی و انسانی کردن کار استوار باشد. این هدف، ما را با هسته بار اندیشه مارکس پیوند میدهد.

شکست سوسیالیسم واقعا موجود، نباید ما را وادارد که سرفراکنده به پیروزی سرمایه داری اعتراض کنیم. جنگ، قهر، نابرابری اجتماعی، عقب ماندگی، گرسنگی، بیماری، ستم جنسی، تبعیض نژادی و تخریب محیط زیست مسائلی هستند که ما حادثه آن هر زمان با آنها مواجیم. متحد اگر از دیدگاه االبتری نیست به تمدن، روابط بین مردم و زن و روابط میان بشر و طبیعت الهام نگیرد، نه به رشدی مترقی بلکه به بحران تمدن می انجامد. الگوی کنونی رشد که کل جامعه بین المللی از آن پیروی میکند و اعضای این حاهه را بطور فزاینده ای بهم وابسته میسازد، قادر نیست برای بشریت، پیشرفت عمومی را تامین کند. علاوه بر این، می بینیم که چگونه سازماندهی کنونی کار در حوامع پیشرفته تر در تضاد گسترش یافته ای با شعور اجتماعی معاصر قرار میگیرد. جنبش زنان در رشد دادن این آگاهی نقش تعیین کننده داشته است. این همه، در شرایطی صورت گرفته است که به برکت رشد تکنولوژیک، کاهش ساعات کار و قلیه بر تقسیم کر میان دو جنس، برای نخستین بار در تاریخ بشر به اهدافی دست یافتنی تبدیل شده اند. این اهداف، هم به زنان و هم به مردان مربوط میشود و در برگیرنده الگویی اجتماعی است که بر افزایش ارزش همه دوره های زندگی مبتنی است. بدین ترتیب پیوسته آشکار تر میشود که ساختن یک جامعه انسانی تر، به معنای قلیه بر جامعه مردانه است: جامعه انسانی، جامعه است که مطابق با نیازهای مرد و جنس باشد. تمرکز فزاینده ساختارهای صنعتی و مالی، نهادهای فرهنگی و اطلاعاتی، مبارزه برای دمکراتیزه کردن این عرصه ها از هر چه ضروری تر میکند. حزب دمکراتیک چپ وظیفه خود میداند در تحلیل و در عمل، رابطه ای جدید میان کارکرد بازار و ضرورت هدایت آگاهانه تولید دو رشد اجتماعی ایجاد کند. ابزار مقابله با اشکال سلطه نوین سرمایه بزرگ و استفاده از تضاد آشکار شده این سلطه سرمایه با کارکرد فنی تولیدی آن، نه از میان بردن بازار، بلکه پیشبرد مبارزه ای گسترده برای دمکراتیزه کردن اقتصاد و قدرتهای اقتصادی است. تضاد یاد شده میان دو وجه سرمایه داری، از طریق وقوع انباشت در ارتباط متقابل و فزاینده منابع سیاسی، اجتماعی و اکولوژیک، هر چه آشکارتر میشود.

رسیدن به مرحله نوینی از رشد، مستلزم تغییر الگوهای کنونی انباشت و مصرف است. این امر،

جشنی کیفی در ارزش گذاری برای کار و کاهش ارزش سرمایه مالی را ضروری میکند. الزامات دیگر عبارتند از تقویت و بهبود کیفیت تحقیقات و کل نظام آموزش و تدریس، به حساب آوردن ضررهای اقتصادی توأم با نابودی منابع غیر قابل افزایش، استفاده دگرگون از تکنولوژی، منابع انرژی و مواد جدید، ایجاد ساختارهای گسترده تا مین اجتماعی و ابزارهای فراملیتی برای هدایت استفاده از منابع.

بیشترین مسئولیت، برعهده پیشرفته ترین کشورهاست. منطق وابستگی متقابل حکم میکند که هر کشور، تضمین مشترک امنیت و رشد بگران را نیز برعهده گیرد. تنها از این طریق میتوان از بروز درگیریهای منطقه‌ای، تخریب محیط زیست طبیعی، مهاجرت های کنترل نشده و بطور خلاصه تشدید همه معضلات جهانی جلوگیری کرد.

مسئله مرکزی، کماکان ایجاد یک نظم سیاسی نوین جهانی مبتنی بر صلح و همکاری میان ملل است. صلح، یک ارزش مطلق و دارای اولویت است. تضمین صلح، خود صلح است. ما به این خطر که در ایالات متحده که از جنگ سرد عنوان برنده بیرون آمده است، و سوسه‌هایی برای اعمال نوعی سلطه انحصاری وجود داشته باشد، کم بجانمی دهیم. اگر چنین باشد، این سوسه‌ها نوعی خطرناک است. جهان امروز پیچیده تر از آن و تنوع و تضادهای آن بیشتر از آن است که بتوان تصور کرد یک نظم یابدار جهانی توسط یک قدرت، یعنی آمریکا، در ارتباط با کشورهای پیشرفته غرب، هبری شود. از این طریق، خطر جنگ فاجعه بار آشکار، یا خزنده میان اقیانوس و قاره، میان شمال و جنوب، حاد خواهد شد. نظر به الزامات وابستگی متقابل، وابستگی تشدید شونده بر اثر رشد عنصر آگاهی در ملل، باید به هماهنگی سیاسی عناصر مختلف زندگی بین المللی روی آورد و به خلافت آن باری رساند.

در این هرصه، چه با ضرورت یک حمله به تمام معنای کیفی در نوع نگرش به مبارزه برای صلح و برابری، پیشروترین هرصه ای که باید بدان پرداخت، پیوند جنبش صلح و خلع سلاح با برنامه تنظیم مناسبات بین المللی است که نقش ملتها در آن قابل توجه است. این چشم انداز، نه پیش یا افتاده و نه ساده است، اما امکان پذیر است؛ تنظیم پلورالیستی و دمکراتیک مناسبات بین المللی، ما را این نگرش به جهان و وظایف نوین، به بحران خلیج فارس که بر اثر تجاوز عراق ایجاد شد، بر خورد می کنیم. ما در این راه کوشیده ایم که دفاع از قوانین بین المللی بطور یکجانه به ایالات متحده آمریکا سپرده نشود، بلکه برعهده سازمان ملل متحد بمتاه جسته یک دولت احتمالی جهانی قرار گیرد.

نظر به خطر جنگ که کماکان بر خلیج فارس ساره افکنده است، ما امروز تاکید می کنیم که هر تصمیمی باید در چارچوب سازمان ملل گرفته شود و تحت نشینی عراق و احبابی قانونیت بین المللی باید تحقق یابد البته باید تا آخر راه حل سیاسی را ترحم داد. راه حل سیاسی و موفقیت تحریم ها مستلزم احساس مسئولیت و برداری است نه تحدید به اقدام نظامی بعنوان راه حل نهایی. راه حل سیاسی مستلزم آنست که مسائل پیچیده خاور نزدیک و در وهله اول مسئله فلسطینی ها حل شود. جنگ، هیچ چیز را حل نخواهد کرد و برای ما آلت راتیوی ناپذیر فتنی است. باید جنگ بمتاه ابزار ممکن در اعمال سیاست بین المللی، طرد شود. تا جایی که نه مقرر نماندگی سیاسی جامعه جهانی مربوط میشود، باید در مجموع به سازمان ملل تکریمت، اختیارات آن را مورد بررسی و گسترش قرار داد، آن را با توجه به واقعیتی که با پنج دهه پیش و شرایط پس از جنگ جهانی تفاوت دارد، مدرنیزه کرد. از این رو باید شورای امنیت را گونه ای تغییر داد که جهان و همه کشورها، اهم از کوچک و بزرگ، احساس کنند که این شورا، نماینده انجاست. علاوه بر این باید همه هرصه های فعالیت سازمان ملل را مورد تجدید نظر قرار داد؛ امنیت، حفظ محیط زیست، مناسبات سن المللی و بازرگانی بین المللی، توزیع منابع لازم برای رشد، مبارزه با بلایای بزرگ مانند مواد مخدر و قتل از همه مسئله شمال و جنوب که همه این هرصه ها و کارکرد در ادبر میگیرد.

در مناسبات بین المللی اصل دمکراسی باید هر چه بیشتر تحقق یابد. این اصل باید علاوه بر سازمان ملل در اتحادیه های بزرگ منطقه ای نیز حاکم شود. در این چارچوب، تصمیم به اتحاد اروپا امروز با دلایل نوین و بسیار محمی که بر دلایل سنتی افزوده میشود، توجیه میگردد. باید برای اتمام سریع روند اتحاد سیاسی جامعه اروپا کوشید. وحدت امکان نیز ضرورت یک قدرت سیاسی فراملیتی را که بر مشروعبیت کامل دمکراتیک مبتنی و قادر باشد حقوق اجتماعی و مدنی نوین را به کرسی نشاند. در برابر قدرت فائده الیگارشسی های بزرگ مقاومت کند، مبرم تر میکند. ایجاد یک مرکز سیاسی با اعتبار در اروپای بازار مشترک، گام نخست در راه اتحاد سراسر اروپا و پیشرفتی در جهت آن نظام چند طبقی

است که باید برای ایجاد زمینه واقعی یک دولت دمکراتیک نوین در سطح جهان ایجاد شود. حزب دمکراتیک چپ از این رو از یک برنامه بزرگ آرمانی و تاریخی استقبال میکند: ایجاد یک اروپای متحد و دمکراتیک با تضمین حقوق اجتماعی و فردی، ساختن یک فدراسیون اروپایی که یکپارچه و در عین حال مبتنی بر اشکال سنتی و نوین استقلال باشد.

۳- بحران ایتالیا ضرورت یک صورتبندی نوین سیاسی که از مرزهای قبلی حزب کمونیست ایتالیا فراتر رود را نشان میدهد. اثبات این امر که سخن نه بر سر یک تصمیم محدود، بلکه بر سر نیازهای کشور است، مشخصات جدید این بحران است. مسدود شدن راه دمکراسی، منشا یک بحران ارگانیک است که نه تنها نهادها، بلکه ساختارهای اقتصادی و اجتماعی را نیز به خود مبتلا میکند. این تبدیل به ضرورتی ملی شده است که یک نیروی سیاسی جدید به صحنه بیاید. محور برنامه این نیرو باید تجدید حیات دمکراتیک کشور باشد. اصلاح نظام سیاسی با هدف ممکن کردن آلت راتیویهای حکومتی و جابجایی قشر حاکم، ضرورت مبرم دارد. ایتالیا رشد کرده است. ما این حال خطلی که طبقات حاکم به روندهای ساختاری و مدرنیته کردن تحصیل کرده اند، بگونه ای بوده است که همزمان تعادلها و نابرابری های تاریخی نه تنها یار جا مانده، بلکه حتی تشدید شده اند. پدیده تازه این است که شالوده همیق وفاق اجتماعی و ارزشهای مشترک مختل شده است. آن وفاق اجتماعی که بر کارکرد دولت به مثابه تضمین کننده منافع همگانی، بر حاکمیت قانون و بر وجود مکانیزم های کنترل (مالیات، استفاده از بودجه دولت، خدمات اجتماعی، عمومی و غیره) متکی است، مکانیزم هایی که میتواند برای گروه های مختلف اجتماعی، شمال و جنوب حقوق برابر را تضمین کند. نخستین هدف بزرگ حزب جدید باید پرداختن به مسئله جنوب باشد. این مسئله امروز محور بحران نظام سیاسی و ارگانهای آن در ایتالیاست و در مرکز توجه نیروهای جنابتکار قرار دارد. این امر کماکان بزرگترین تصور تاریخی طبقات حاکم است.

میان شمال و جنوب نه تنها شکاف اقتصادی و اجتماعی سنتی همیق تر شده، بلکه شکاف جدیدی نیز ایجاد شده است که به کیفیت دمکراسی مربوط میشود. ما مسئله جنوب را یک معیار اساسی و تعیین کننده برای تجدید حیات دمکراتیک دولت می دانیم و از این رو با تاکید تمام، مسئله قلبه بر شکاف اقتصادی و اجتماعی میان شمال و جنوب را مطرح می کنیم. اگر در این جهت گام برداریم، جنوب نخواهد توانست با مشکلات روند بین المللی شدن مقابله کند. در این صورت، نیمی از کشور در حاشیه اروپا باقی خواهد ماند. اقدام به نفع جنوب به معنی طرد هرگونه منطق وضعیت نوق العاده و تدابیر ویژه است. اقدام برای ایجاد صنایع مدرن در مناطق جنوبی ضروری است. باید منابع مالی را به مسرهای قانونی بازگرداند و تابع قوانین بازار و رشد فعالیت های مولد و اجتماعی در جهت محور گام به گام بکارگیری جوانان و زنان کرد. جنوب، امروز به برنامه ای از اصلاحات صادقانه نیاز دارد که به زنان و مردان، به زحماتشان و نیروهای مولد امکان مشخص ایجاد آلت راتیوی در برابر نظام قدرت حاکم دمکرات مسیحی نشان دهد. این امر باید در چارچوب تجدید حیات معنوی نهادها و همراه با تلور یافتن حقوق مدنی نوین و تحقق هرصه های فعالیت آزاد برای مردم جنوب باشد.

ما از تحلیل شرایط کنونی زندگی کشور به این نتیجه میرسیم که بحران دولت، دامن طبقات زحمتکش و حقوق و قدرت آنان را میگیرد. مترقی ترین و موثرترین موضع در برابر بلوک اجتماعی و طبقات حاکم، تلاش برای قرار دادن فعالیت جنبش کارگری در چارچوب اتحاد های اجتماعی، در چارچوب یک آلت راتیوی سیاسی و فرم دمکراتیک است. این، یک تومم سیاسی نیست. بدون تجدید حیات دمکراسی و دولت، این ایتالیای زحمتکش، ایتالیای متفکر و مولد، ایتالای ضعف تن به جاه حاشه نشین ها خواهد بود که بیشترین همرا خواهد پذیرد. داخ.

بر اساس این آگاهی، مایشناهداها خود برای اصلاح نهادها را تدوین کرده ایم. این پیشنهادها شامل تجدید سازمان منطقه ای دولت، ایجاد یک پارلمان یک قوه مجریه مبتنی بر پارلمان با قابلیت، یا بگاه و تاثیر وسیعتر و یک قانون انتخابات است که نظام "رای های امتیاز دار" را از میان بردارد و به رای دهندگان امکان دهد دولتی را انتخاب کنند که به یک ائتلاف و یک برنامه متکی باشد.

ایتالیا (ح.س.ا.) متشکل شویم. حزب کمونیست ایتالیا از آغاز جنبش دمکراتیک، خود را آمیخته جدا از فرهنگ اصلاح طلبی ایتالیا نمی دانست، بلکه این فرهنگ را وارد میراث معنوی خود کرد. بنابراین در درون چپ باید واقعه بحث پرداخت و چارچوب پلمبجهای مجرد و شیوه های رفتار فرقه گرایانه متقابل را ترک کرد. باید پیمان قدرتی که بیش از یک دهه است بر کشور حکومت میکند، شکسته شود. این قبل از هر چیز بدان معنی است که نه قرار گرفتن حزب دمکرات مسیحی در موضع رهبری پایان داده شود. در سالهای اخیر رقیب سوسیالیست این حزب نتوانست این وضع را تغییر دهد و حتی در تداوم آن کوشید. پدیده تازه کنونی این است که در حزب دمکرات مسیحی بحرانی در گرفته است، بحران حزب حاکمی که توانایی آن برای درک نیازهای رشد کشور هر چه کمتر میشود. این حزب از یک سو توسط اتحادیه ها و از سوی دیگر بواسطه ناراضی در میان موثران کاتولیک، تحت فشار قرار دارد.

خطای ح.س.ا. کماکان این است که همه تلاش خود را صرف این میکند که جای رهبری دمکرات مسیحی را بگیرد و بلوک کهنه قدرت را تحت یک رهبری غیر مذهبی و سوسیالیستی قرار دهد. اما راه چاره چیز دیگری است: یک چپ نو سازی شده که بتواند نیروهای تربیخواه غیر مذهبی و کاتولیک را حول یک برنامه اصلاحات سیاسی و آلت راتیوی حکومتی گرد آورد. ایتالیا نیاز به چپی دارد که به دنبال فرضیه تومم آمیز بیوستن خود به تعادل قدرت کنونی نباشد. چپ آلت راتیوی، باید حامل طرح حکومتی جدید و نسخه قدرت نوینی باشد. اما این امر مستلزم آن است که ح.س.ا. به تحلیل انتقادی از تجربه این ده سال و چرخش برنامه ای و سیاسی تن دهد. این، منای یک بحث واقعی، وحدت چپ و یک تجدید حیات است، مرحله ای که باید همه نیروهای چپ در آن مشارکت داشته باشند، بحث کنند و برنامه ای برای یک آلت راتیوی تدوین نمایند. طیف متنوع کاتولیسیم سیاسی نیز باید به آغاز سیاسی نوینی روی آورد. این نیروها امروز امکان آن را دارند که از میراث مهمی از ارزشها و فرهنگ سیاسی بهره برند، البته در خارج از چارچوبهای کهنه شکل سیاسی کاتولیکها. در این هرصه، جستجوی راهها و اشکال جدید شکل، جریان دارد. تلاشی با هدف یک جامعه مستقل تر و مندرتر، هدف صلح و اصلاح سیاست. بدون اغای نقش این نیروها، تحقق آلت راتیوی مترقی تصور ناپذیر است.

ما بر این یک دلیل دیگر ما برای اصلاح خود، این است که می خواهیم چپ را نو سازی کنیم، نیروها را آزاد سازیم، حیات سیاسی را از شعده نازان رهایی بخشم، راست را در سمت راست و چپ را در سمت چپ قرار دهیم. سندی مانند سند حاضر نمی تواند شامل یک پلاتفرم برنامه ای باشد. با این حال روشن است که مسئله اصلی، یک نظام حکومتی است که بر رابطه ای ناسد آمیز میان قدرت دولتی و خصوصی استوار است. درهم آمیزی احزاب، سوداگران و بخشهایی از دولت، کارکرد نهادهای اجتماعی و حیات سیاسی را ناسد و بیوسیده میکند. این درهم آمیزی، راه افزایش کنترل نشده و بی قاعده قدرت صاحبان سرمایه و پول را هموار میکند. سرمایه داری ایتالیا دچار تحول شده است، اما مشخصه ویژه آن، کماکان حاکمیت یک الیگارشسی کوچک مالی است که در پیوند با قدرت سیاسی و دولتی عمل میکند. ناسامانی اوضاع مالی دولت نیز این شرایط را از تاب میدهد. امروز روشن است که تجدید ساختار و مدرنیزه کردن دهه گذشته بر اساس "دولت کمتر" و "بازار بیشتر" صورت نگرفت. این روند، یک توحام نوینی طبقات مالک برای تغییر تناسب مزد و سود نیز نبود. دولت، نقش تعیین کننده ای در تجدید ساختار اقتصاد مبتنی بر تمرکز الیگارشیک منابع و قدرت داشت. دولت برای هموار کردن این راه از یکسو اجازه تقلب های مالیاتی همظیم سرمایه داران را داد و از مالیات درآمدهای ناشی از سرمایه کاست، و از سوی دیگر بار مالیات بر دوش کارکنان را تقریباً دوبرابر کرد. هزینه های این روند غیر متعادل بر فقهده بودجه خود دولت است. انباشت دهی با عواقب این امر را تشدید کرد. این امر از یکسو بودجه تا مین اجتماعی و سرمایه گذاری برای مدرنیزه کردن خدمات و گسترش رشته های تولید را کاهش داد و از سوی دیگر، باعث شد باز پرداخت قروض با بهره های بالا، تقریباً یک چهارم درآمد مالیاتی را ببلعد. و این همه، در نهایت، ترکیب اجتماعی کشور را عوض کرد و بلوک بزرگی از اقشار غیر مولد و منافع انگلی را ایجاد کرد که باز آن در دوش زحمتکشان و آینده جوانان بیکار سنگینی میکند.

برای همه نیروهای مسئول، زمان آن فرارسیده است که بی برانداین درهم آمیزی سیاست و اقتصاد نه تنها نابرابری فزاینده ای در توزیع درآمد و ثروت، بلکه شرایطی را ایجاد کرده که زمینه ساز بحران در ایتالیا و افزوده شدن خطر فروپاشی نظام تولید بر خطر فروپاشی دولت شده است. این، پدیده ای

تازه است. کل سیستم و نه تنها اقتصاد دچار بحران شده است. سیستمی که بر یک حزب حاکم (دمکرات مسیحی) و بردولت های متکی است که از منافع اقشار محدودی دفاع میکنند. بنابراین موضوعی که باید محور بررسی های ما قرار گیرد و بطور جدی و عینی پیشبرد یک سیاست نیرومند اپوزیسیون و نامزد شدن چپ نو سازی شده برای به دست گرفتن حکومت را ضروری میکند، وظیفه سوئی دادن تحول اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ایتالیا امروزیه مسبری نوین است. بنابراین هدف این است که اصلاح طلبی نیرومندی یاب هرصه حیات بخدارد که نه تنها بر روندهای توزیع، بلکه بر ساختارهای دخیل در مکانیزم انباشت، تاثیر بخدارد. نیرومندی چنین اصلاحاتی در مناسبات اقتصادی و اجتماعی سسته به ماهیت دولت است.

بنابراین، ما مسئله اصلی یک نیروی واقعا سوسیالیست را در پیش رو داریم. چگونگی برخورد زحمتکشان به کل روند انباشت، از چارچوب دمکراسی لیبرالی فراتر میرویم و به هرصه ای قدم میگذاریم که در تیناس با تحارب کلاسیک سوسیال دمکراسی نیز پیشرفته تر است. ما بویژه به مسئله ای بر خورد می کنیم که در آستانه هزاره سوم به کل تمدن مربوط میشود: تضاد میان نیاز شدید فزاینده به آزادی و خلافت بشر از یک سو و حاکمیت نظامهای قدرت و هرم های اجتماعی که در برابر این نیاز ایستادگی می کنند، از سوی دیگر. اما این نیاز از واقعات نشأت میگیرد، چرا که قلبه بر شیوه تولید سنتی، (در شرایطی که مرز میان فعالیت برای تبدیل و تغییر با خدمات هر چه مضدوش تر میشود) و اهمیت فزاینده محیط زیست بمتاه مرز تولید و نیز عامل رشد، نه تنها مستلزم قواعد نوین، بلکه ایجاد کننده این ضرورت است که به عامل انسانی، فرهنگی، طلسمی، تاریخی و محلی در تعریف کیفیت و سطح رشد بیشتر بما داده شود.

یک نیروی بزرگ چپ باید تنها بر این اساس حرکت کند: بر این اساس که حزب کارکنان زن مرد است و همده دار مبارزه برای حقوق آنها، برای انسانی کردن کار، برای تحقق رابطه ای نوین میان اوقات فراغت و اوقات کار میشود. تنظیم چنین رابطه ای با افزایش حضور زنان در تولد، ضرورت یافته است. این اهداف، مرحله فعلا تحقق پذیر بر کوند گام به گام آزادی کار، برای تحقق دمکراسی اقتصادی در محیط کار و در موسسات بزرگ اجتماعی بمتاه حزبی تکنیک ناپذیر از نو سازی دمکراتیک کشور است.

وقت آن رسیده است که اشکال سازماندهی جدید کار آرموده شود، اشکالی که به امکانات فرهنگی و توانایی های شغلی و حلاقت مردان و زنان، بجای بیشتر داده، هر گونه تبعیض جنسی، به رنگی، سنی و تبعیض بر اساس وضع مالی و تحرک را لغو کند و به همه امکان دهد شخصیت خود را رشد دهند. این امر در داخل کارخانه ها و کارگاهها حضور یک نیروی جمعی را ضروری میکند که قادر باشد محال خودگردانی کارکنان و مرزهای دمکراسی گسترش دهد. البته نباید محدودت های ناشی از ضرورت ثمر، بخشی و بهبود کیفیت تولید و خدمات را نادیده گرفت. باید هر سدگاهی را که سرمایه داران را یابدون هیچ انتقادی می ستاید یا نقطه ذکر یلیدی های آنها می بردارد، کنار گذاشت. یک شرکت نیز مجتمعی از عناصر و روابط است که باید آنها را رسمیت شناخت و حاوی نیروهای است که باید آنها را تنظیم کرد. بنابراین یک بنگاه اقتصادی از آری است که نه تنها تحت تاثیر جامعه پیرامونش، بلکه همچنین تحت تاثیر عناصر مختلف فعال در درون آن قرار دارد.

بنابراین برای ما دمکراسی اقتصادی بمتاه مشارکت آگاهانه کارکنان و نمایندگان آنها در تصمیمات مربوط به مدیریت شرکتها یک هدف اصلی است. همچنین باید به مردم و مصرف کنندگان حق کنترل کارکرد و مدیریت شبکه های بزرگ خدمات مربوط به هم داده شود. دمکراسی سیاسی نیز از این طریق و بواسطه تاثیر چنین مبارزه ای برای حق تصمیم گیری زنان و مردان درباره کار خود، ایجاد نوینی میباید، غنی تر میشود و رشد میکند. باین مبارزه که با سلاحهای بیکار اجتماعی، قانون گذاری اجتماعی، آموزش و فرهنگ پیش برده میشود و با پذیرش قواعد دمکراتیک اقتصادی بودن، اکولوژیک بودن و انسانی بودن کار، مسئله قدرت و رابطه میان قدرت و دمکراسی برای یک نیروی چپ در چارچوب کاملاً نوینی قرار میگیرد.

قدرت لازم برای تحقق این حقوق اساسی عمدتاً در دست دولت بمتاه مرکز توزیع منابع و امتیازات نیست. آنچه تعیین کننده است، همبستگی آگاهانه پیش بردگان این تحول دمکراتیک کار است. بنابراین مبارزه برای تغییر تناسب قوا در چارچوب روندی از دمکراتیزه کردن همه جانبه هرصه سیاست و کل جامعه است که شامل احزاب، جنبشها، سندیکاهای بزرگ، اتحادیه ها بقیه در صفحه ۹

می توانید مداخله کنید شاید زندگی و جانم را نجات دهید (یادداشتی برای عفو بین الملل)

این روزها به مناسبت سی امین سال موجودیت سازمان عفو بین الملل در بسیاری از نقاط جهان جلسات سخنرانی و بحث و گفتگو پیرامون وضعیت زندانیان سیاسی و وضعیت حقوق بشر در جهان برپاست و بیان کار ۳۰ ساله سازمان عفو بین الملل در دفاع از جان و حقوق زندانیان سیاسی مورد ارزیابی قرار می گیرد.

عفو بین الملل در سال ۱۹۷۷ جایزه صلح نوبل را به خاطر تلاش و مشارکت در راه تامین آزادی و عدالت اجتماعی و صلح در جهان دریافت کرد. در سال ۱۹۷۸ سازمان ملل متحد به مناسبت سی امین سال انتشار منشور حقوق بشر جایزه حقوق بشر را به خاطر خدمات برجسته سازمان عفو بین الملل در راه تامین حقوق بشر به آن اعطا کرد.

آیا عفو بین الملل یک جنبش سیاسی است؟

عفو بین الملل یک سازمان غیر حزبی (بی طرف) است و از مبارزه علیه هیچ حکومتی و یا سیستمی حمایت نمی کند. از هیچ حکومتی و یا سیستمی پشتیبانی به عمل نمی آورد و علیه هیچ حکومتی و سیستمی مبارزه نمی کند. دفاع عفو بین الملل نه از اعتقادات زندانیان، بلکه از حقوق آنهاست.

عفو بین الملل کشورها را بر اساس اینکه به چه میزان به حقوق بشر احترام می گذارند «درجه بندی» نمی کند و هیچگاه «لیست سیاه» تهیه نمی کند.

عفو بین الملل در تلاش برای به حرکت واداشتن افکار عمومی تحریم های اقتصادی و فرهنگی را نه توصیه می کند و نه به طور کلی رد می کند. با وجود این علیه انتقال بین المللی شناخت های تکنیکی و مادی نیروهای امنیتی، پلیس و ارتش و بکارگیری از آنها توسط کشورهای مقصد علیه زندانیان عقیدتی برای وارد آوردن شکنجه و با مبادرت به اعدام ها صریحاً موضع دارد.

عفو بین الملل از نظر مالی از حق عضویت و هدایای اعضا و هوادارانش تامین می شود. استقلال مالی عفو بین الملل در فعالیت هایش همانقدر اساسی است که استقلال سیاسی آن، قواعد پذیرفته شده برای صندوق سازمان، دقیق، جدی و ضمانت یافته است. سازمان از حکومت ها برای تامین مالی خود نه تقاضایی می کند و نه وجهی دریافت می دارد.

مملکت حقوق بشر به هیچ وجه مداخله در امور داخلی کشورها محسوب نمی شود. حمایت از حقوق بشر یک اجبار بین المللی است. این اصل توسط سازمان ملل متحد شناخته شده است. دولت ها آشکارا در مقابل ملل متحد مسئول هستند که از حقوق شهروندان خود حمایت کنند این مسئولیت از جمله ایجاب می کند که سازمان های بین المللی حق داشته باشند آنها را درباره نگرانی های خود از نقض حقوق بشر در کشورهایشان برای ادای پاسخ مورد سوال قرار دهند.

سازمان عفو بین الملل چه می کند

۱ - عفو بین الملل برای آزادی زندانیان سیاسی فعالیت می کند یعنی مردان و زنانی که در هر کجای دنیا بدلیل اعتقادات، رنگ پوست، قومیت، زبان، جنسیت

به مناسبت سی امین سال موجودیت سازمان

عفو بین الملل

دستگیر شده، اعمال تهر نکرده و دعوت به کار بردن نکرده اند. ۲ - عفو بین الملل، صرف نظر از مسئله اعمال قهر تلاش می کند که محاکمات زندانیان عادلانه و مناسب برگزار گردد. ۳ - عفو بین الملل علیه شکنجه و مجازات اعدام و ناپدید شدن افراد تلاش می کند. ۴ - عفو بین الملل تلاش می کند از بازپس فرستادن کسانی که خطر دستگیری، شکنجه و اعدام آنها را تهدید می کند جلوگیری به عمل آورد و از پناهندگی کسانی که در تعقیب سیاسی هستند دفاع می کند.

۵ - عفو بین الملل علیه انتقال اسلحه و تجهیز ارتش، پلیس و نیروهای امنیتی کشورها چنانچه از آنها برضد زندانیان عقیدتی برای شکنجه و یا اعدام شان استفاده شود، تلاش می کند.

۶ - عفو بین الملل تا آنجا که مقدور است برای زندان ها و اردوگاه ها هیئت اعزام می دارد و تلاش می کند که در تامین حداقل حقوق پذیرفته شده توسط سازمان ملل برای زندانیان نظارت کند.

۷ - عفو بین الملل برای دادگاه های سیاسی ناظر اعزام می دارد.

۸ - عفو بین الملل برای تامین معاش زندانیان سیاسی و خانواده هایشان کمک میکند.

۹ - عفو بین الملل در برخی موارد هزینه تحصیلی کودکان زندانیان را تقبل می کند و مخارج وکیل مدافع و مراقبت های پزشکی آنان را به عهده می گیرد.

عفو بین الملل هر گاه مطلع گردد که کسی یا کسانی به دلایل سیاسی دستگیر و بازداشت شده اند و یا کسانی در معرض شکنجه و اعدام قرار دارند، پس از شناخت اولیه امور و تحقیقات لازم، بعدی تلاش می کند کاری برای زندانی و شرایط بازداشت آن صورت دهد اگر آشکار گردد که قربانی زندانی عقیدتی است یا پذیرش وی در یکی از گروه های عفو بین الملل که از اعضای سازمان تشکیل یافته اند، از مرکز عفو بین الملل به دولت حاکم بر کشور زندانی اطلاع داده می شود که در سطح جهان چشم چایی مراقب سر نوشت زندانی هستند و با اقدام به نوشتن نامه به مقامات کشور متبوع قربانی، تلاش برای آزادی فوری و بدون قید و شرط آن آغاز می گردد این تلاش ها مدت ها ادامه می یابد و نامه پشت نامه برای و زوار شخصیت های محل استقرار و نگهداری قربانی ارسال می گردد. عفو بین الملل میکوشد نظر مطبوعات را نسبت به قربانیانی که مورد پذیرش قرار گرفته اند جلب کند. اعضا و هواداران سازمان با بسیج دیگران برای آزادی و نجات قربانیان جلو سفارتخانه ها و مقرهای هیئت های بازرگانی دست به تظاهرات می زنند. و شخصیت های کشور خود را فرا می خوانند تا با آنان همراهی کنند. اگر این گروه ها موفق شوند که با فامیل زندانی تماس حاصل کنند

عفو بین الملل تلاش میکند برای :

آزادی بدون قید و شرط کلیه زندانیان عقیدتی

تامین قضاوت منصفانه و سریع برای کلیه زندانیان سیاسی

لغو شکنجه و مجازات اعدام

عفو بین الملل دفتر نمایندگی ندارد. رژیم تائون با کشاکش دفتر این سازمان بین المللی مدافع حقوق زندانیان مخالفت کرده است.

- در کشور ما هیچ "گروه عفو بین الملل" فعالیت رسمی قانونی و آشکار ندارد.

- تلاش های سازمان عفو بین الملل برای مصاحبه و بازدید زندانیان سیاسی کشور ما تاکنون با مخالفت مقامات جمهوری اسلامی مواجه بوده است.

- سازمان عفو بین الملل به علت تضییقات و محدودیت های فوق تاکنون مجبور بوده است که اطلاعات خود در باره زندانیان سیاسی کشور ما را از کانالهای گوناگون دیگری تامین و تهیه کند.

- علی رقم فقدان دسترسی مستقیم سازمان عفو بین الملل به زندانیان سیاسی و مشاهده مستقیم وضعیت زندان های کشور، اسناد مدارک حقایق ۱۲ ساله عمر رژیم جمهوری اسلامی در آرشیو سازمان عفو بین الملل آنقدر حجیم است که رقابتی نادری را می توان برای وی در رژیم های موجود جهان پیدا کرد.

تقریباً در همه گزارش های عفو بین الملل در این ۱۲ سال حاکمیت جمهوری اسلامی، از ایران به عنوان کشوری که در آن حقوق بشر به صورت نظام یافته لگدکوب می شود و شکنجه و اعدام زندانی سیاسی یک قاعده است، نام برده شده است. از جمله در آخرین گزارش عفو بین الملل در آذرماه ۹۶ که در آن از وضعیت نقض حقوق بشر در ایران سخن رفته، آمده است "تجاوز به حقوق بشر در ایران سالهاست در حد افراطی آن ادامه دارد... دولت ایران باید به جای ادعاهای خشک و خالی احترام به حقوق بشر بدون اینکه دست به کار شود، از این همه تعدی دست بردارد و حقوق انسانی همه شهروندان ایرانی را تضمین کند"

خاورمیانه وجود دارد. این گروه ها که روی کار اکثر انترناسیونالیستی فعالیت و حقوق بشر تاکید دارند، خود را وقف حداقل دو مورد زندانی انتخاب شده می کنند که در دیگر کشورها گرفتار هستند. تصمیمات مهم سازمان توسط یک شورای بین المللی که از جانب تمام بخش ها نمایندگی می گردد، گرفته می شود. این نمایندگان یک کمیته اجرایی بین المللی برای اجرای تصمیمات و نظارت کارهای روزانه دبیرخانه را تعیین می کنند. دبیرخانه عفو بین الملل در لندن قرار دارد که بیش از ۲۰۰ نفر از ۳۰ ملیت در آن مشغول کارند. یک سرویس تحقیق، اطلاعات بدست آمده از منابع زیرین را جمع آوری و تحلیل می کند. صدها روزنامه، بولتن های اطلاعاتی رسمی کشورهای مختلف، رونوشت های اطلاعاتی که از رادیوهای پخش می شود، گزارشات حقوق دانان و سازمان های انسان دوست و همچنین نامه های زندانیان و بستگان و آشنایان آنها، گزارشات هیئت های اعزامی سازمان به کشورهای و دیدار آنها از زندانها و زندانیان.

عفو بین الملل مسئولیت گزارشات نویسی سالیانه و فیه را که از منابع فوق و سپس تجزیه و تحلیل آنها حاصل می شود به عهده می گیرد و اعلام آمادگی می کند که تصحیحات اطلاعاتی را که به نظر نادرست می آیند منتشر کند.

درهای سازمان عفو بین الملل بر روی هر کس که از اهداف آن حمایت کند، گشوده است. همکاری با این سازمان مدافع حقوق و آزادی زندانیان سیاسی و پشتیبانی از آن به ویژه برای آزادی خواهان ایران یک وظیفه وجدانی است.

عفو بین الملل و رژیم

جمهوری اسلامی

- در کشور ما سازمان عفو

برای زندانی بسته ارسال می کنند و با در صورت امکان خبرنگار برای مصاحبه باز زندانی اعزام می دارند. زمانیکه بازداشت ها سیاسی شکل توده ای است و شناسایی کلیه قربانیان و تعیین هویت آنها مشکل است عفو بین الملل از حکومت می خواهد که هر چه زودتر به شرایط فوق العاده برای بازداشت ها پایان دهد. به حقوق بشر احترام بگذارد و شرایط آزادی آنها را فراهم سازد و یا برای آنها محاکمات عادلانه در یک وضعیت و مدت معقول و مناسب ترتیب دهد.

هیئت های عفو بین المللی که فرصت می یابند از زندانیان بازدید کنند از جمله زندانیان را از نظر سلامت جسمی و ایراد شکنجه مورد معاینه قرار می دهد. از جمله فعالیت مهم سازمان مبارزه با اعمال شکنجه علیه زندانیان است. سازمان در راه انجام فرهنگ سیاسی و اجتماعی در همان می کوشد که در آن شکنجه به همان سان مذموم و محکوم باشد که برده داری، گروه های پرشکی عفو بین الملل برای تامین دربان مناسب زندانیان اقدام می کند و بعد از آزادی به قربانیان کمک می کند که زندگی طبیعی خود را در جامعه دنبال کنند. از صندوق عفو بین الملل برای تامین زندگی، لباس و دیگر نیاز مندی های زندانی و فامیل آن کمک صورت می گیرد.

عفو بین الملل چگونه

کارها را پیش می برد؟

مملکت عفو بین الملل بر مبنای دیکراتیک استوار است. عفو بین الملل بیش از یک میلیون عضو، آئونه و سمیات در ۱۵۰ کشور و منطقه جهان دارد. اعضای آن با نظرات و اعتقادات گوناگون در فعالیت های سازمان مشارکت می ورزند. اغلب اعضای عفو بین الملل در گروه های کوچک محلی سازماندهی شده اند. هم اکنون بیش از ۳۶۰۰ عدد از این گروه ها در کشورهای مختلف آفریقا، آسیا، آمریکا، اروپا و



نظراتی پیرامون مساله ملی

در ایران

سامان نجف زاده

ستم نیز میتواند گسترده باشد. وجود گرایشات برتری طلبانه ناسیونالیستی و حتی شوونیستی در بین اقشاری از ردم فارس زبان واقعی است. این گرایشات همراه با گرایشات افراطی مذهبی (شیعی) در شرایط رژیم اسلامی تعدید بزرگی علیه خواست ها و حقوق ملی خلقهای تحت ستم میهنمان میباشد. اما خطاست هر گاه این گرایشات را بحساب ملت فارس و یا ناشی از "شوونیسم ملت فارس" قلمداد کرد.

تا زمانیکه ملت فارس (و یا اکثریت آن) علیه حقوق و خواست های ملل غیر فارس بسیج نشده باشند، تا زمانیکه قاطبه مردم فارس زبان در یک انتخابات آزاد و یا در یک عمل مشخص دیگر متقابل باخواست حق تعیین سرنوشت ملل غیر فارس صف آرایی نکرده باشند، نمی توان عنوان "ملت ستمگر" و یا "شوونیسم ملت فارس" را به آن اطلاق نمود. به بان معکوس، ملت فارس هلیرغم اینکه خود تحت ستم و دیکتاتوری قرار دارد، چنانچه در تقابل باحقوق و مطالبات ملی و خواست حق تعیین سرنوشت ملل تحت ستم قرار گیرد، بویژه چنانچه در سرکوب مطالبات ملی آنها شرکت نماید، در جایگاه "ملت ستمگر" قرار خواهد گرفت. به این ترتیب حکم "ملت ستمگر" نه از وجود ستم ملی به طور کلی، که از تحلیل موضع مشخص ملتی که زمان و فرهنگ آن مسلط است در قبال مطالبات ملل تحت ستم نتیجه گیری می شود.

نکته دیگر اینکه برخی نیروها بویژه در مناطق ملی، ضرورت احقاق حقوق ملی و پذیرش حق تعیین سرنوشت ملل را از واقعیت وجودی ستم ملی استنتاج می نمایند (ستم ملی وجود دارد، پس ملل ستم دیده حق دارند برای کسب حق تعیین سرنوشت مبارزه کنند).

این گرایش برای موکد ساختن و مشروعیت بخشیدن به مبارزه در راه کسب حق تعیین سرنوشت، اغلب در کم و کیف و ابعاد ستم ملی نیز مبالغه می نماید و آن را متحد "شوونیسم ملت فارس" تعمیم میدهد. چنین برخوردی خطاست. حق تعیین سرنوشت ملل از حقوق دموکراتیک، انسانی و ملی خلق ها ناشی می شود و نه از وجود ستم ملی. اگر در کشور ما علیه ملل غیر فارس هیچگونه ستم ملی هم اعمال نشود باز هم ملل ایرانی به مثابه توده های میلیونی انسان های آزاد و مختار با تعلق ملی خاص، حق دارند که سرنوشت خویش را رقم زنند.

مبانی حل مساله ملی

رژیم سلطنتی تنها با زبان شلاق و سر نیزه و گلوله به خواست ها و مبارزات حق طلبانه ملل ایرانی پاسخ گفت و مبارزه ملی خلق های تحت ستم را با عنوان "تحزیه طلبی و توطئه عوامل بیگانه" و با توجیه "حفظ تمامیت ارضی کشور" بی رحمانه سرکوب می ساخت. رژیم اسلامی نیز در برخورد با مساله ملی همان زبان و همان شیوه ها را با شدت بیشتر به کار گرفته و "دفاع از کیان اسلام و سرزمین اسلامی" را هم به توجیحات رژیم پیشین به منظور سرکوب خویش خلق ها افزوده است. اما چند دهه سیاست سرکوب خواست ها و مطالبات ملی خلق های ایران در دوران معاصر نه تنها موجب "احل" یا حذف مساله ملی در کشور ما نشده، بلکه به آن ابعاد گسترده تر و عمیق تری هم بخشیده، حل آن را دشوار تر ساخته و به بیای زبان ها و تجایع بسیار تمام شده است.

مقابله با معضل ملی بر پایه دیدگاه های شوونیستی و مطلق کردن "تمامیت ارضی" تا حد یک اصل مقدس (انهم نه در رابطه با خطر تجاوز خارجی بلکه در مواجهه با خواست حقتعین سرنوشت خلق ها)؛ با تکیه بر "تاریخ یا هم پیوندی تاریخی و قومی" و از این طریق انکار حقوق ملی خلق ها، امکان حل معضل ملی را منتفی و مناسبات بین خلق های کشور را به سمت خصومت و خشونت سوق داده و موجب آسیب های فراوان می شود. به همین ترتیب به طریق اولی، نفی حقوق ملی خلق ها بر پایه دیدگاه های مذهبی و مطلق کردن حامل مذهب و انکار تمایزات ملی راه حل مساله ملی نبوده و نیست. اشکال سرزمین های فلسطینی و عربی توسط رژیم اسراییل، در گریحا و خونریزیهای فرقه ای و مذهبی در لبنان، اشغال کویت توسط رژیم متجاوز صدام و هواقب فاجعه بار آن، و ده ها سال سرکوب خونین مبارزه ملت کرد در منطقه تنها نمونه های کمی است از برخورد نادرست و غیر انسانی با مساله سرزمین و مرو و با مساله ملی که از دیدگاه های "مذهبی"، "تاریخی" و "شوونیستی" مایه میگیرند.

معضل حاد ملی هفتاد سال پس از استقرار "سوسیالیسم" در اتحاد شوروی نیز بیانگر شکست

از پیش به اتحار یابد و به چاره جویی مشترک فرا می خواند.

اینها از جمله شرایط و عواملی هستند که می تواند زمینه حل دموکراتیک و مسالمت جویانه مساله بفرنج ملی در ایران و اتحاد استوار ملل ایرانی را فراهم سازد. اما از واقعیت فوق نمی توان به نفعی کثیر المله بودن کشور یا به نفعی وجود ستم ملی در کشور، چه در گذشته و چه اکنون، رسید.

ستم مضاعف، ستم ملی

موضوع ستم ملی در مباحثات نیرو های سیاسی کشور جای خاصی دارد. برخی ها بر واقعیت وجودی ستم ملی علیه ملل غیر فارس در گذشته و حال تاکید می ورزند و عده ای هم وجود ستم ملی را انکار یا کم رنگ می نمایند. در این مباحثات اغلب دو خلط مبحث هم صورت می گیرد: یکی باین ترتیب که تلاش می گردد بین "ستم ملی" و "ملت ستمگر" هلامت تساوی گذاشته شود (یعنی ستم ملی را مساوی ستمگر بودن ملتی که فرهنگ و زبان آن غالب است، میدانند) تا بار "ملت ستمگر" وجود ستم ملی هم انکار گردد. چرا که قبول ستمگر بودن ملت فارس - ملتی که خود از دیکتاتوری و ستم کهنسال رنج می برد - دشوار است و لذا بار "ملت ستمگر فارس" وجود ستم ملی هم نفی شده تلقی می گردد.

خط مبحث دوم بدین صورت است که با تکیه بر وجود دیکتاتوری و ستم در مقیاس کل کشور و در رابطه با همه مردم ایران اهم از فارس و غیر فارس، تلاش می شود "ستم ملی" با "دیکتاتوری و ستم عمومی" در کل کشور بکسان قلمداد شود. بدین خاطر لازمست پیرامون مفاهیم "ستم ملی"، "ستم مضاعف" و "ستم عمومی" اندکی مکث شود:

مردم ایران اهم از فارس و غیر فارس، چه در رژیم سلطنتی یا رژیم اسلامی، از حکومت استبداد قوی، سانسور، فقدان آزادی و دموکراسی، استعمار، تبعیض، بی قانونی، بی عدالتی و ... رنج برده و می بینند. در این موارد ملل غیر فارس نیز همچون ملت فارس زیر یوغ "دیکتاتوری و ستم عمومی" قرار داشته و دارند. اما علیه ملل غیر فارس علاوه بر ستم عمومی و مشترک، "ستم ملی" نیز اعمال شده و میشود و جا دارد که ستم وارده به ملل غیر فارس "ستم مضاعف" نامیده شود. ستم مضاعف بیانگر ترکیب پیچیده و درهم تنیده شده ستم عمومی و ستم ملی است.

ستم ملی از جمله باشکال زیر تحلی یافته است: رسمی نبودن زبان مادری در مناطق ملی (منظور مناطق محل سکونت خلق هاست)؛ ممنوعیت آموزش و تحصیل به زبان مادری؛ جلوگیری از گسترش و ترویج سنن و فرهنگ ملی؛ کوچ اجباری؛ سرکوب خواست ها و مطالبات ملی از جمله خواست خودمختاری؛ برسبیت نشناختن حق تعیین سرنوشت ملل ساکن کشور؛ بی توحی و کم توحی به پیشرفت، همران و رفاه مناطق ملی؛ استقرار گسترده و فیر لازم نیرو های نظامی و انتظامی در مناطق ملی؛ انتصاب قاطبه مسئولان، مدیران و فرماندهان کشوری و لشکری از مردم غیر بومی اینها موارد عده ستم ملی است که چه از گذشته های دور و چه در رژیم پهلوی و رژیم اسلامی علیه ملل ستم دیده ایرانی اعمال شده و می شود که موجب تنشها، زبان ها، سرکوب ها و خونریزی های بسیار برای همه میهنان مادر سراسر کشور و بویژه در مناطق ملی شده است. در این میان عمده ترین و اصلی ترین شکل ستم ملی عبارت از آنست که اراده و حق ملی برای تعیین سرنوشت و مقدرات سیاسی و اجتماعی آنها نقض و یا اعمال گردد. ستم ملی اساسا توسط حکومت های مستبد و سرکوبگر اعمال می شود و الزاما نباید به حساب ملت فارس نوشته شود. از وجود ستم ملی نمی توان بلافاصله حکم "ملت ستمگر" را نتیجه گیری نمود. ملتی که خود زیر یوغ ستم و استبداد دست و پا می زند، نمی تواند مسئول اعمال ستم ملی علیه ملت خود، ستم ستم باشد. این گریه و آهیتی است اما نتایج یک روی سکه را نشان می دهد. مساله جوانب دیگری هم دارد: حکومت های مستبد معمولاً بتاکاد گرایشات و نیرو های اجتماعی معین، سیاست های مبتدانه و خلق ستیزانه خود را پیش برده و ستم ملی اعمال می نمایند. سیاست اعمال ستم ملی علیه خلق های تحت ستم و توسط حکومت های دیکتاتوری، در همین حال نیرو و پایه اجتماعی خاص خود را هم دارد. صفوف این نیرو بر پایه اجتماعی نه تنها در میان ملتی که فرهنگ و زبان آن مسلط است، بلکه هم چنین در بین اقشاری از خود ملل تحت

"اقوام" مختلف ملت واحد ایران تعریف می نمایند. این تعاریف اگرچه بدرجات متفاوت جنبه هایی از واقعیت را هم بیان نمایند، اما در تحلیل تعاریف همگی تعاریفی قراردادی و متأثر از دیدگاه های سیاسی، اجتماعی و طبقاتی واضعین آنهاست. در حالیکه امروزه مساله ملی یک معضل سیاسی - اجتماعی بمشخص است که حل واقعی و انسانی آن نه بر پایه "تعاریف" قراردادی و مصلحتگرانه، بلکه بر پایه ضروریات عینی و مقتضیات زمان و مکان امکان پذیر است. روند واقعیات عینی و مناسبات بین ملل و بین گروه های اجتماعی از "تعاریف" قراردادی و ابدی" تبعیت نمی نمایند. کسانیکه بر مبنای مصلحت با منفعت یا عادت و به مصداق حکم "و خداوند کلمه را آفرید" می خواهند سرنوشت ملل و انسان ها را در آستانه قرن بیست و یکم تابع تعاریف و ازگان مقدس "ملت" یا "قوم" بسازند، با واقعیات عینی و شخص ستیزی نمایند و ه سا در دها و رنج های بسیاری بر جامعه تحمیل می نمایند.

سیارند کسانیکه نظریه "ملت واحد ایران متشکل از اقوام" را با استناد به "تاریخ"، تاریخ سه تا چهار هزار سال پیش نتیجه گیری می نمایند و "هم پیوندیهای" قومی و تباری را نیز دلیل می آورند. اولاً، صرف نظر از ابهامات و چنود چون این "تاریخ" سه هزار ساله، آنچه مسلم است اینکه "منطق تاریخ" در آستانه قرن بیست و یکم الزاماً از "جبر تاریخ" قرون ماضی تبعیت نمی نماید. آنچه که احیاناً در قرون و اعصار ماضی واقعیت بوده اند، نمی تواند تا ابد بر سرنوشت نسل های آتی و برده فروشی دیر زمانی و واقعیت تاریخی بوده است ولی امروز جنایت محسوب می گردد. ملل امروزی در سنگ نبشته های باستان یا سفرنامه های عهد متیق رقم نخورده است. هلیرقم همه موانع، امروزه و در آینده انسان ها می روند تا تاریخشان را با داستان خویش بسازند و بنویسند. بد نیست به عنوان نمونه چگونگی تلقی "تاریخی" از "ملت کرد" را در سه کشور ترکیه، عراق و اردن ببینیم: دولت ترکیه کردهای آن کشور را "ترکهای کوهستانی" نامیده است (بازیل نیکیتین، کتاب *Tes Kurdes*)، در عراق کردها را "عرب بادیه به کوه گریخته" خوانده اند (مسعودی در *مروج الذهب*)، و در ایران آنها را "یکی از اقوام ایرانی از نژاد خاص آریایی" محسوب داشته اند. هر کدام از این احکام هم لابد با "دلایل و شواهد تاریخی و باستان شناسی" مستدل و مستندی می گردد!

ثانیا، هم پیوندیهای تباری و قومی نیز اگرچه در مورد برخی از ملل ساکن ایران (و نه همه آنها) واقعیت دارد، اما نمی تواند دلیل منطقی برای نفی کثیر المله بودن کشور ما باشد. کم نیستند اقوام هم تبار و هم خون که امروز هر کدام ملت و کشور مستقلی را تشکیل داده اند. اقوام آریایی باستان در طول قرون کهن در سرزمین های وسیعی از اروپا تا هندوستان سکونت اختیار نموده و امروزه ملت های مستقل و متعددی را تشکیل داده اند. از این گذشته، مشکل است کسی بتواند از هم پیوندی تباری و خونی بین عربها با فارس ها و کردها و ... در ایران دفاع نماید. در اینصورت کسانیکه بر پایه نظریه "هم تباری اقوام ایرانی" از نظریه "ملت واحد ایران" دفاع می نمایند و بر این معنا کثیر المله بودن کشور ما و حقوق ملی ملت ها را نفی می نمایند، آیا حاضرند با توجه به "ناهم تباری" هم میهنان عرب ما، حقوق ملی آنها را بپذیرند و برسبیت بشناسند؟ اگر نه، پس مساله بر سر "هم تباری" یا "ناهم تباری" اقوام ایرانی نبوده بلکه دیدگاه ها و منافع خاص مطرح است.

حال اگر از جایگاه واقع بینی و حل معضلات اجتماعی به واقعیات دیروز و امروز کشورمان ننگریم آنگاه زمینه ها، امکانات و شرایط مفید و مساعد بسیاری خواهیم یافت که می تواند در خدمت حل انسانی و دموکراتیک معضلات اجتماعی و ملی در کشورمان قرار گیرد:

ملل ساکن ایران هلیرقم تنش ها، مخاصمات و خونریزی های سیار که "جبر تاریخ" اعصار ماضی بود، در طول قرون متحدی در کنار هم و با هم همزیستی داشته و فراز و نشیب های بسیاری از سر گذرانده اند. برخی از این ملل دارای هم پیوندی های تباری و قومی و برخی دیگر چنین نبوده اند. اما بهر حال در طی هزاران سال همزیستی، در آمیختگی های قومی و خونی هم پدید آمده است. علاوه بر این بر اثر همزیستی طولانی و مستمر، هم پیوندیها و در آمیختگی های تاریخی، فرهنگی و اقتصادی عمیقی پدید آمده است، بگونه ای که امروزه از فرهنگ و تاریخ مشترک و از سرزمین مشترک سخن در میان است.

مبارزات مشترک ملل ساکن ایران در طی ده های اخیر علیه وابستگی و استبداد و در راستای دموکراسی، استقلال، عدالت و حقوق ملی؛ سرنوشت مشترکی فرا روی همه ملل ایرانی قرار داده است. همچنین سطره استبداد قرون وسطایی بر سرزمین مشترک ما در سال های اخیر، همه ملل ایرانی را بیش

مقدمه: "تره های پیشنهادی در رابطه با مساله ملی" توسط گروه کار خلق های سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) برای بحث و بررسی در سازمان و ارائه به کنگره دوم، در کار شماره ۴ انتشار یافته است. در این تره ها در مورد موضوعات زیر اظهار نظر شده است: کثیر المله بودن کشور، ستم مضاعف و ستم ملی، ممانی حل مساله ملی، چارچوب حل مساله ملی، گرایشات آرمانگرانه در جنبش های ملی، شکل عمده مبارزه در راه کسب حق تعیین سرنوشت، تنظیم مناسبات با احزاب ملی - منطقه ای، نقش و جایگاه واحدهای منطقه ای سازمان در ساختار سراسری آن، و نقد سیاست های گذشته سازمان در رابطه با مساله ملی.

این موضوعات (جز دو مورد اخیر که خاص سازمان است) اساسی ترین و مهم ترین مباحث پیرامون مساله ملی در کشور ماست که لازم است توسط احزاب و نیرو های سیاسی مورد بحث و بررسی قرار گیرند؛ چرا که هیچ حزب و سازمان سیاسی در ایران بدون داشتن تحلیل و موضع مشخص در رابطه با مساله ملی قادر نخواهد بود در تحولات کشور تاثیر گذار باشد و خواه ناخواه دنباله رو حوادث خواهد شد.

اکنون در آستانه کنگره دوم سازمان، بحث و بررسی مضامین فوق در اجلاس های پیش کنگره و در نظریه کار از اهمیت دو چندان برخوردار است. امید است که توضیحات و نظرات زیر حول موضوعات فوق هلیرقم کاستی های بسیار آن، عامل و انگیزه های باشد برای بحث های عمیق تر و همه جانبه تر در سازمان ما و نیز توسط صاحب نظران جنبش در مورد مساله ملی در کشورمان.

ایران کشور کثیر المله

یکی از موضوعاتی که در بحث مساله ملی مطرح و از اهمیت زیاد برخوردار است، موضوع کثیر المله بودن کشور ماست. در این رابطه در جامعه ما و در بین نیرو های سیاسی کشور به طور عمده سه نظر موجود است:

۱- نظریه امت واحد - رژیم اسلامی و مسلمانان بنیادگرا بر پایه نظریه "امت واحد اسلامی" تعدد و تمایز ملی در ایران و نیز در مقیاس کشورهای اسلامی را نفی یا کم رنگ می نمایند.

۲- نظریه ملت واحد - طرفداران سلطنت و بخش وسیعی از نیرو های ملی و ناسیونالیست حتی چپ در مقیاس کشوری عقیده دارند که مردم ایران ملت یگانه و واحدی هستند که از چند "قوم" تشکیل یافته است.

۳- نظریه کثیر المله - بخشی از نیرو های ملی و دموکرات و چپ (بویژه در مناطق ملی)، ایران را کشوری کثیر المله می دانند که از ملل با خلق های متعدد تشکیل یافته است.

این تنوع نظر البته اباحت می کند که واژه ها و مقولات ملت، قوم، خلق و امت مورد توجه و مطالعه قرار گیرند. اما در اینجا تنها به بیان برخی ملاحظاتی پیرامون مقوله ملت اکتفا می شود: در این مورد تعاریف و تفاسیر متعددی ارائه شده که در مجموع آنها پارامترهایی از قبیل: زبان، فرهنگ، مذهب، تاریخ، شعور ملی، سرزمین، شیوه معیشت، ساختار اقتصادی، دولت، نژاد و ... مورد توجه یا تاکید قرار گرفته اند. تعریف جامع و مانعی در دست نیست و بر حسب اینکه کدام پارامتر یا پارامترها در تعریف ملت مستقر قرار گیرد، نتایج متفاوتی حاصل خواهد شد. به عنوان مثال: چنانچه پارامتر نژاد در تعریف مقولات معنا باشد، بسیاری از ملل مستقل و برسبیت شناخته شده کنونی را باید جزو ملت واحدی بحساب آورد و در اینصورت تعداد ملل تا حد تعداد نژادها تقلیل خواهد یافت. اگر پارامتر "دولت" در تعریف ملت منظور باشد، آنگاه هلل بسیاری که فاقد دولت خاص خویش هستند در جرگه ملل وارد نخواهند شد. به همین ترتیب با وارد ساختن "ساختار اقتصادی" در تعریف ملت، کشورهایی که از ملت واحد تشکیل یافته ولی فاقد ساختار اقتصادی همگون و واحد هستند مشمول این تعریف نمیگردند. و بالاخره چنانچه عنصر "مذهب" در تعریف ملت برجسته و پررنگ شود، به مفهوم "امت واحد" نزدیک می شود.

حال اگر از بین عوامل فوق مجموعه چهار عنصر زبان، فرهنگ، شعور ملی و سرزمین را ملاک هویت ملی و عناصر اصلی تعریف "ملت" بحساب آوریم در اینصورت فارس ها، کردها، آذربایجانی ها، بلوچ ها، ترکمن ها و عرب ها هر کدام به مثابه ملتی جداگانه در مجموعه ملل ایرانی ساکن کشور ما قابل تعریف و تفکیک هستند. نگارنده بر مبنای چنین تلقی و تعریفی به کثیر المله بودن کشورمان باور مند هستم و در این نوشتار واژه "خلق" را نیز با اندکی تسامح معادل واژه "ملت" بکار گرفته ام.

اما بسیاری کسانیکه ناکم و زیاد کردن پارامترهای دیگر (مثلا هم پیوندیهای قومی یا استناد به تاریخ)، ملل ساکن کشور را به عنوان

استعفا و خروج

رئیس جمهور اتیوپی از کشور

و تاسیس «جمهوری دموکراتیک خلق اتیوپی» را اعلام کردند. منگستو هم دبیر کل حزب کارگر و هم رئیس جمهور بود. منگستو نیز مانند هابله سلاسی امپراتور اتیوپی در نتیجه یک حنک داخلی، به ویژه جنگ اریتره سقوط کرد. اریتره که در گذشته مستعمره ایتالیا بود، در سال ۱۹۵۲ از سوی سازمان ملل متحد به عنوان یک استان خودمختار ضمیمه اتیوپی شد. زمامداران اتیوپی، اریتره همواره مانند یک مستعمره برخورد کرده اند.

تطمح حمایت شوروی از منگستو، عامل مهمی در سقوط او بوده است. رژیم منگستو به کمک های تسلیحاتی شوروی متکی بود. قطع این کمک ها باعث شد گروه های مخالف علیه رژیم اختلافات شدید میان خود بتوانند. ارتش اتیوپی را در منگنه نگذارند. آینده اتیوپی، نظر به کثیرالمله بودن این کشور روشن نیست. گروه های مختلف سیاسی و قومی، اهداف متناقضی را دنبال می کنند. اگر دولت ادیس آبابا سقوط کند، خلا قدرتی ایجاد خواهد شد که هر یک از گروه های مسلح سعی در برکردن آن خواهد کرد. چنین شرایطی، برای کشوری که تقریباً هر سال با مشکل گرسنگی میلیون ها نفر و مرگ صدها هزار تن از آنان دست و پنجه نرم می کند، امیدوار کننده نیست.

مبانی خط مشی حزب دموکراتیک چپ ایتالیا

در بازار (با تحکیم نشراتان، مئانه مصرف کنندگان) در شبکه های خدمات عام المنفعه (با تقویت نقش مردم مئانه بهره وران از این خدمات) و در هر عرصه اجتماعی افزایش باید. حقوق موثر، دموکراسی را موثر میکند. حزب نوین دموکراتیک چپ می خواهد در شرایط امروز، حقوق و آزادی های برابر برای طلبانه های احیا کند که جنبش بزرگ سوسیالیستی و جنبش های آزادیخواهانه نظر به مسائل حل نشده انقلاب فرانسه و یاسخهای ناکافی دولت های لیبرال، آنها را بر پرچم خود نوشتند. حزب، مصممانه گسست از انحراف طولانی و گاه تراژیک دولت گریبانده را مدعا می گذارد تا راه یک سوسیالیسم حقوق و آزادیها را بنیاد سوسیالیسمی که روز به روز باید آن را ساخت، براه حزب، راه شملت در طرح پیشنهادها، راه مبارزه و آزامون و راه اطاعت بی چون و چرا از قواعد دموکراسی و ارزش ممبستگی است. هدف آرمانی بزرگ حزب دموکراتیک چپ، تلفیق دو ارزش خواهد بود که در طول این قرن، جدا مانده اند: آزادی و برابری. در این دور، نماند سوسیالیسم نه یک ضرورت عینی شت شده در تاریخ، بلکه تصمیمی آگاهانه است که از آرمانهای روشن در چارچوب چشم انداز راهی بشر الهام میگردد.

اتحاد داوطلبانه، دموکراتیک و یابدار خلق های کشورمان در سرزمین یضاور و ثروتمند ایران، در خدمت پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و رفاه و بهروزی همه مردم کشور ماست. اتحاد داوطلبانه ملل ایرانی باید بر مبنای دموکراتیک، برابر حقوق و سود مشترک بی برزی گردد. برای بی برزی و تحکیم اتحاد نوین خلقهای ایران بر مبنای گفته شده و برای یافتن ساختار و مکانیسم مشخص چنین اتحادی لازمست تلاش بپذیر، همه جانبه و مسئولانه ای در مقیاس سراسر کشور و کل نیروهای سیاسی انجام گیرد.

همه جانبه از تاثیرات و عواقب امر جدایی برای ملت خود و برنامه آتی آن، ایده آل مطلوب خویش را به جای برنامه عمل مشخص قرار داده و علاوه خود را در مقام سخنگو و نماینده کل یک ملت در منطقه قرار می دهد. نیرویی که از شر باورها و دگم های ناروای گذشته خلاصی یافته باشد، درک می کند و می پذیرد که حق ندارد و نباید خود را نماینده یک طبقه و یا کل ملت در کشور بیندازد تا چه رسد به نمایندگی یک ملت در منطقه. و در شرایطی که جنبش های ملی ملل تحت ستم در ایران و در منطقه پس از ده ها سال مبارزه خونین هنوز به حداقل خواست های خویش نایل نیامده اند (توجه شود به وضعیت فلاکت بار و فاجعه بار کردجای عراق در شرایط ضعف مغرطه اضمحلال ارتش رژیم بعث عراق)، در چنین شرایطی طرح ایده آلها و آرمان های مطالبات حداکثر به مثابه برنامه عمل سیاسی، بلندپروازی و ساده انگاری است. این ساده انگاری می تواند در جهت هرز نویی و هوی جنس ملی و سوق آن به لبه پرتگاه شکست تاثیر نگذارد.

ج - راه حلی که هم متضمن حفظ و تحکیم اتحاد ملل ساکن ایران بوده و هم بتواند حقوق ملی خلق های ایران را به تمامی تامین نماید، تنها بر پایه تامین و تضمین اصول سه گانه دموکراسی، برابر حقوقی ملت ها و حق تعیین سرنوشت ملل متصور و امکان پذیر میباشد. بدون پذیرش و تضمین این اصول نه اتحاد داوطلبانه و یابدار ملل امکان پذیر خواهد شد و نه حقوق ملی خلق ها تامین میگردد.

تصور اینکه بدون استقرار دموکراسی و حکومت دموکراتیک در ایران، ملل ساکن کشور بتوانند به حقوق ملی خویش نایل آیند، اگر ذهنگرایی و خیالپردازی نباشد، تنها یک استغنا نادر می تواند باشد. تجربه ایران، عراق، ترکیه، پاکستان و کشورهای کثیرالمله دیگر که رژیم های دیکتاتوری بر آنها حاکم است نشان می دهد که در شرایط دیکتاتوری و احتیاق چیزی جز سرکوب و ستم ملی نصیب خلق ها نبوده و نخواهد شد. از اینجا است که مبارزه در راه کسب حقوق ملی و حق تعیین سرنوشت با مبارزه در راه دموکراسی در کل کشور پیوند می خورد. شعار اصلی و واقع بنانه دموکراسی برای ایران و خودمختاری برای خلق ها بازتاب و بیابک این ضرورت است.

از طرف دیگر بدون رفع ستم ملی و احقاق حقوق ملی خلق ها، ادعای وجود دموکراسی در کشور حرف بویجی بیش نخواهد بود. نمیتوان خلق ها را ستم روا داشت و حقوق ملی آنها را زیر پا گذاشت و در همین حال مدعی وجود دموکراسی در کشور شد. یکی از شروط لازم استقرار دموکراسی واقعی در کشور، رفع ستم ملی و تضمین حقوق ملی خلق هاست.

اصل حق تعیین سرنوشت خلق ها از تعمیم اصول دموکراسی و آزادی های فردی و اجتماعی مندرج در منشور حقوق بشر نتیجه گیری می شود. اگر اصل حاکمیت و مرجعیت مردم مورد قبول باشد، اگر می پذیریم که اراده مردم مبنای قدرت دولتی است، در اینصورت توده های میلیونی انسان هایی که دارای زبان، فرهنگ، سرزمین، خواست ها و هلاقیات مشترک هستند محقق دارند بر مقدرات و سرنوشت خویش حاکم باشند و باید بتوانند بدون تحمیل و فشار بشود زندگی سیاسی و اجتماعی خود را انتخاب کنند. اصل حق تعیین سرنوشت ملل در مرکز حق ملی خلق ها قرار دارد و نمی تواند به هیچ قید و شرطی محدود و مشروط گردد. اراده آزاد ملل در یک فضای دموکراتیک و هاری از فشار دولت و احزاب در مورد هر مساله مشخص از جمله در مورد اتحاد با جدایی تعیین کننده خواهد بود.

علاوه بر این امروزه بسیاری از آزادی های فردی و اجتماعی در منشور حقوق بشر و در قوانین مدنی مبنی بر دموکراسی بازتاب یافته و مورد قبول واقع شده است. از آن جمله است: حق اختیار تابعیت و ترک خانوادگی و زندگی مستقل برای فرزندان که به سن قانونی رسیده اند، حق ازدواج و طلاق، حق دخالت و شرکت در هدایت امور عمومی کشور و بسیاری حقوق دیگر. در اینصورت چگونه میتوان حقوقی را که برای فرد پذیرفتنی است، حقوق مشابه آن ها را از ملت هاد ریغ داشت؟

به همین ترتیب اگر می پذیریم که همه انسان ها آزاد و با شان و حقوق یکسان زاده شده اند، در اینصورت نمی توان این اصل را در مورد ملت ها زیر پا گذاشت و آنها را به فرادست و فرو دست تقسیم بندی نمود، و یک ملت نمی تواند نقش قلم و ولی را برای ملت های دیگر بازی کند، بلکه همه ملل ساکن کشور در مناسبات فی مابین و در تعیین سرنوشت خود باید دارای حقوق برابر باشند. تا زمانی که ملتی تحت قیمومیت ملت دیگری قرار دارد و مقدرات آن در جای دیگری رقم می خورد، از برابر حقوقی ملل و از احقاق حقوق ملی آنها نمی توان سخن در میان باشد. به همین ترتیب سه اصل پایه ای دموکراسی، برابر حقوقی ملل و حق تعیین سرنوشت خلق ها که رابطه تنگاتنگی با یکدیگر پیدا می کنند، مبنای هر گونه راه حل واقعی، انسانی و دموکراتیک برای حل

راه حل «ایدئولوژیک» در مواجهه با مساله ملی است. در اینجا قلمبرقم پذیرش حق تعیین سرنوشت ملل در تئوری، اما مطالبات و فرهنگ و حقوق ملی خلق ها در عمل تابع و تحت الشعاع آنچه که «منافع طبقه کارگر و دولت سوسیالیستی و مصالح رشد فرهنگ سوسیالیستی» نامیده میشود، قرار گرفته فری و گم رنگ گردید. برخلاف آنچه که وعده داده شده بود مساله ملی و ستم ملی نه تنها از بین نرفت بلکه در شرایط فقدان آزادی و دموکراسی و عقب ماندگی اقتصادی، آنچنان ترکیب ناهنجار و بفرنجی از معضلات حاد ملی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی پدید آمد که امروزه «اتحاد شوراهای» را زیر هلاکت سوال برده است.

به این ترتیب چنانچه نیرویی در عمل و واقعا در جستجوی راه حل معضل ملی در کشور ما باشد قبل از هر چیز لازمست از دیدگاه های شوونیستی، مذهبی، تاریخی و ایدئولوژیک به عنوان مبنای حرکت و راهنمای عمل فاصله بگیرد و مبنای و نقاط حرکت جدیدی را بی حویی نماید که با ضروریات عینی و مقتضیات زمان و مکان انطباق داشته باشد.

امروزه در کشور ما نیروهای سیاسی جزآن بخشی که با حقوق ملی خلق ها خصومت می ورزند، بقیه نیروها تلاش کرده اند برای این معضل چاره اندیشی نموده و راه حل ارائه نمایند. راه حل های عمده پیشنهاد شده عبارتست از:

۱- قانون انجمن های ایالتی و ولایتی دوران مشروطه، خودگردانی اداری و فرهنگی، خودمختاری در چارچوب کشور ایران، خودمختاری کامل در چارچوب جمهوری فدراتیو ایران و به رسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت ملل، استقلال کامل وجدانی، صرف نظر از چگونگی و ایامات و تمایزات این راه حل ها، تلاش نیروهای سیاسی به منظور راه یابی و چاره جویی بری مساله ملی در خور تقدیر است و علاوه بر این مباحثه و تبادل نظر و وسیع وحدی جریانات سیاسی برای راه یابی مشترک هم ضروری است.

مضمون و جوهر راه حل ها و برنامه های پیشنهادی فوق را علیه هم توم آنها، میتوان در سه دسته خلاصه و بیان نمود:

- ۱- تامین بخشی از مطالبات و حقوق ملی خلق ها در چارچوب حفظ تمامیت ارضی ایران
- ۲- کسب استقلال کامل وجدانی
- ۳- تامین و تضمین خودمختاری کامل ملل و حق تعیین سرنوشت آنها

برخی ملاحظاتی پیرامون، مضامین فوق:

الف - راه حل هایی که در رابطه با مساله ملی از اصل «حفظ تمامیت ارضی ایران» حرکت و پیروی می نمایند، گرچه یارهای حقوق و خواست های ملی خلق ها را نیز پذیرا باشند، اما با حق تعیین سرنوشت ملل سازگاری ندارند (مجددا یادآوری می شود که در اینجا «حفظ تمامیت ارضی» در رابطه با حق تعیین سرنوشت ملل مورد انتقاد است و نه در رابطه با دفاع از مرزهای کشور. در قبال تجاوز خارجی، نمیتوان هم با حق تعیین سرنوشت ملل موافق بود و هم آن را به «حفظ تمامیت ارضی کشور» محدود و مشروط نمود. نیرویی که به حفظ تمامیت ارضی کشور متعهد باشد، ملی القاعده در موضع سرکوب خلق با ملتی قرار می گیرد که بر خواست کسب استقلال اصرار می ورزد (توجه شود به شرایطی که امروز در جمهوری های بی بالتیک در شوروی پدید آمده است.) «حفظ تمامیت ارضی» بیان سیاسی مخالفت و تقابل با حق تعیین سرنوشت و حق استقلال ملت هاست.

جنبه دیگر این راه حل ها نیمه کاره و نیم بند بودن آنهاست که اگر چه ممکن است چند مانی معضل ملی را تخفیف داده و موقتا تسکینی بر دردها باشد، اما چاره اساسی کار نیست. تخفیف ستم ملی در هر حد ممکن البته مثبت بوده اما برای ریشه ای مساله ملی لازمست راه حل های اساسی و یابدار جستجو شود. این چیزی نیست مگر اتحاد نوینی از ملل ایرانی بر مبنای رفع کامل ستم ملی، خودمختاری کامل و حق تعیین سرنوشت خلق ها، بزرگترین خدمت به کشور و «تمامیت ارضی آن» استقرار چنان سیستم سیاسی - اجتماعی دموکراتیک و عادلانه ای است که ملل ایرانی مصالح و منافع خود را در باقی ماندن در چارچوب کشور تشخیص دهند.

ب - راه حلی که استقلال کامل و جدایی ملل را پیشنهاد می نماید (نه به عنوان یک حق، بلکه به مثابه برنامه عمل سیاسی)، بازتاب ایده آلها و آرزوهای یک گرایش سیاسی در صفوف جنبش های ملی در کشور ما و در منطقه است. آرزوها و ایده آلهایی که از دل قرن ها اعمال ستم ملی علیه خلق ها و تحقیر و سرکوب خونین مطالبات و حقوق ملی آنها میایه می گیرد و نه از «ولطغروشی» یا «توطئه عوامل بیگانه» آتطور که توسط سرکوب کنندگان خلق ها و دیکتاتورهای عنوان می گردد.

این گرایش اما بدون ارائه تحلیل مشخص از اوضاع ایران، منطقه و جهان؛ بدون در نظر داشت نیروی مقاومت گسترده و موانع بی شمار موجود بر سر راه جنبش های ملی؛ بدون ارائه ارزیابی واقع بینانه و

دوران دشوار هند پس از قتل راجیو گاندی

یک گزارش سازمان ملل: فقدان اراده سیاسی، علت اصلی نابسامانی های اجتماعی

بقیه از صفحه اول

بازگشت و تا سال ۱۹۸۴ نخست وزیر هند بود. در اکتبر ۱۹۸۴ دو محقق شخصی ایندیرو گاندی که از اقلیت مذهبی سیک ها بودند، گاندی را به قتل رساندند. پیش از آن، گاندی در مقاله با افراطیون سیک در ایالت پنجاب دستور حمله به "معدن طلائی" شهر آمریستار داده بود.

پس از قتل ایندیرو گاندی، راجیو گاندی رهبری حزب کنگره را بر عهده گرفت. سانجای گاندی، پسر اول ایندیرو گاندی که از رهبران حزب کنگره بوده، در سال ۱۹۸۵ در یک سانحه هوایی کشته شده بود. راجیو گاندی که تا آن زمان دخالت فعالی در سیاست نداشت و به عنوان خلبان کار میکرد، به اصرار مادرش در مقام نامزد جانشینی او قرار گرفت. راجیو گاندی در انتخاباتی که پیش از هر چیز تحت الشعاع موج احساسات طرفداری از مادر مقولش بود، برنده شد و به نخست وزیر رسید.

پنج سال زمامداری راجیو گاندی علیرغم پیشرفت های هند در مرصه های معینی از اقتصاد و تکنولوژی، با رسوایی های بی در پی مقامات دولتی همراه بود. راجیو گاندی در اواخر دوره زمامداری خود به عنوان یک سیاستمدار جدا شده از واقعات جامعه هند و بیرو ملاحظاتی و منافع گروه حاکم شهرت یافته بود. حزب کنگره او در انتخابات دسامبر ۱۹۸۹ شکست خورد. ائتلاف وسیعی از احزاب مخالف گاندی دولت جدید را به ریاست ویشونات براتاب سینگ تشکیل داد. نخست وزیر جدید او راد هند و بی. پی. سنگ می نامند. پس از تشکیل دولت برنامه ای برای درهم شکستن نظام کاست های هند به اجرا گذاشت. طبق این برنامه قرار بود نیمی از ظرفیت دانشگاه ها و پست های دولتی به "اقتدار یست" در نظام کاستی که ۶۰ درصد جمعیت را تشکیل میدهند، اختصاص یابد. برنامه های دولت سینگ، افراطیون هندو را

به مقابله واداشت. حزب بخارتیا حاناتا حمایت خود از دولت را قطع کرد و دولت سینگ کمتر از یک سال پس از روی کار آمدن، اکثریت خود را در پارلمان از دست داد. حزب کنگره به رهبری راجیو گاندی از انتخاب جاندا شکار به نخست وزیر حمایت کرد. جاندا شکار که هم اکنون نیز تا تشکیل پارلمان جدید ریاست دولت را برعهده دارد، رهبریک حزب کوچک است. اخلب ناظران تصد حزب کنگره در حمایت از شکار را این دانستند که هر موقع مناسب تشخیص دهد، با قطع حمایت از دولت باعث برگزاری انتخابات پیش رو شود. در ماه مارس امسال، حزب کنگره راجیو گاندی موقعیت را برای قطع حمایت از دولت اقلیت جاندا شکار مناسب تشخیص داد. راجیو گاندی ۴۶ ساله، در کارزار انتخاباتی اخیر کوشید چهره ای جدید از خود ارائه دهد، چهره سیاستمداری که مانند پدر بزرگ و مادرش، بیشتر به "مردمی" بودن متکی است تا به برنامه سیاسی. شعار گاندی در انتخابات، "ثبات" بود. حزب کنگره تشخیص داده بود که بدنیال نزدیک به یک سال و نیم بی ثباتی سیاسی، مردم هند پیش از هر زمان، به راه حلی تمایل خواهند داشت که حاوی تداوم زمامداری یک حزب با ائتلاف معین باشد. گاندی کوشید در انتخابات خود را به عنوان ضامن وحدت ملت هند بر برابر احزاب و گروه هایی که بر یک گروه قومی یا مذهبی خاص تکیه می کنند، معرفی کند. این راه، ادامه مشی نورو و ایندیرو گاندی است که کوشیدند با سکولاریسم و دنیوی کردن جامعه هند، بر از هم گرای ملت ها و مذاهب مختلف غلبه کنند. مشی سکولاریسم در عین حال به همت آنکه نیازمند توافق گسترده اجتماعی است، پیشبرد اصلاحات در نظام سیاسی و اجتماعی هندرا کند می کند. راجیو گاندی چه در دوره زمامداری و چه در کارزار

نه کمبود منابع مالی، بلکه فقدان اراده سیاسی، علت واقعی نابسامانی های اجتماعی در نقاط مختلف جهان است. این نتیجه گیری اصلی "گزارش تحول اوضاع بشریت در سال ۱۹۹۱" است. که روز ۲۱ ماه مه از سوی "برنامه توسعه ملل متحد" (یو. ان. دی. پی.) با همکاری چند سازمان وابسته به سازمان ملل انتشار یافت. این گزارش رابطه میان سطح درآمد، اولویت های سیاسی، در چه رشد انسان ها و نیز حقوق و آزادی هادر کشورهای مختلف را بررسی می کند. گزارش، نمونه های بسیاری بر می شمارد که در آن میتوان از منابع مالی بودجه های دولت ها و کمک های بین المللی برای توسعه، استفاده مفیدتر و موثرتر کرد. طبق این گزارش، برای دستیابی به اهداف اجتماعی واقع بینانه در رابطه با آموزش ابتدایی، تامین نیازهای اولیه بهداشتی و آب، تنظیم خانواده و محرور دشدید سو تغذیه و فقر مطلق در جهان سوم تا سال ۲۰۵۰، سالانه به ۲۰ میلیارد دلار نیاز است.

تنها با کاهش سالانه مخارج تسلیحاتی در کشورهای صنعتی به میزان سه درصد، می توان ۲۵ میلیارد دلار به مصارف دیگر اختصاص داد. با ثابت ماندن مخارج نظامی در جهان سوم در سطح فعلی، ده میلیارد دلار دیگر در سال صرفه جویی خواهد شد. به عنوان نمونه، در کشوری مانند آنگولا، پاکستان و پرو مخارج تسلیحاتی بیش از دو برابر مخارج برای بهداشت و آموزش است.

گزارش مزبور می افزاید در کشورهای رشد یابنده بر اثر بازده نازل بخش عمومی، پروژه های بلندپروازانه اقتصادی که هدف آنها کسب و جبهه است، فرار فزاینده سرمایه و نفاذ، میلیارد ها دلار هدر می رود. بدیهی کلان این کشورها نیز مانع جمعی است. مثلاً در ۳۹ درصد بودجه دولت خود را صرف بازپرداخت قروض خود می کند، در حالی که به امور اجتماعی تنها ۱۸ درصد اختصاص می یابد. گزارش سازمان ملل حاکی است یک دولت برای پاسخگویی به نیازهای توسعه کشور باید حداقل پنج درصد درآمد ملی را صرف برنامه های تامین نیازهای اولیه اجتماعی کند. این نسبت در جهان سوم بسیار متغیر است: از ۱۲/۷ درصد در زیمبابوه تا ششدهم درصد در اندونزی. گزارش می افزاید برای تحقق نحوه ای دیگر از توزیع منابع، استراتژی های سیاسی علیه گروه بندی های قدرت حاکم مانند نظامیان، بزرگ مالکان، اقتدار ثروتمند شهری و بوروکرات های فاسد ضرورت دارد. به نظر کارشناسان سازمان ملل، کشورهای صنعتی

وزیر خارجه امریکا:

سیاست شهرک سازی اسرائیل مانع اصلی صلح است

وزیر خارجه امریکا:

سیاست شهرک سازی اسرائیل مانع اصلی صلح است

محل متحد، منتقدی ندانست، هر چند در این صورت شرکت کشورهای عربی به سختی امکان پذیر خواهد شد.

خارجه کنگره آمریکا، برگزاری کنفرانس صلح بدون حضور سوریه را در صورت ادامه اختلافات بر سر شرکت سازمان

استعفا و خروج رئیس جمهور اتیوپی از کشور

منگیستو هابل مریم رئیس جمهور اتیوپی، بدنیال شکست های ارتش این کشور در جنگ داخلی، استعفا داد و کشور را ترک کرد. شورای دولتی که عالی ترین نهاد کشور است، تسفانه گروه کیدان معاون رئیس جمهور را به عنوان رئیس کشور جدید برگزید. منگیستو هابل مریم در توضیح استعفا خود نوشت که برای جلوگیری از ادامه خونریزی در جنگ داخلی سی ساله با شورشیان استان های اریتره و تیگره کناره گرفته است. سخنگویان شورشیان پس از کناره گیری رئیس جمهور اتیوپی اعلام کردند که به تیر داده خواهند داد. رادیوی دولتی اتیوپی به نقل از یک بیانیه شورای دولتی اعلام کرد منگیستو هابل مریم کشور را به متحد نامعلومی ترک کرده است. شورای دولتی خواهان برقراری فوری آتش بس میان تیر و های دولتی و شورشیان شد.

گزارش رادیوی اتیوپی می افزاید ژنرال تسفانه کیره کیدان تا اطلاع ثانویه اداره امور را در دست گرفته است. رادیو اتیوپی گفت: "منگیستو استعفا داده، امروز صبح بنا به تقاضای نمامد های مختلف کشور را ترک کرده است." این رادیو از نمامد های مزبور نام نبرد. روز دوشنبه ۲۰ ماه مه، شورای دولتی به بررسی اوضاع کشور پرداخته بود. گروه های ایوژیسیون قبلا خواهان استعفا رئیس جمهور شده بودند.

به نظر می رسد استعفا منگیستو، واکنشی در برابر پیشروی نیروهای شورشیان در تیگره و اریتره است. از ۲۳ فوریه بدین سو، شورشیان در تیگره کنترل دواستان در شمال غربی کشور را بدست گرفته به سه استان دیگر نفوذ کرده اند. آنها هفته گذشته همراه با چریک های استقلال طلب اریتره دست به یک

برای اشتراک نشریه "کار" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراک، تمپر پستی و یار سیدبانکی پرداخت بهای اشتراک به آدرس نشریه را سال نماید.

دیگر نقاط	اروپا	سه ماهه	۳۲ مارک	۳۹ مارک
بهای اشتراک نشریه "کار"		شش ماهه	۶۲ مارک	۷۶ مارک
		یک ساله	۱۲۰ مارک	۱۵۰ مارک

آدرس کامل (لطفا خوانا بنویسید):

جیمز بیکر وزیر امور خارجه آمریکا، سیاست شهر سازی دولت اسرائیل را مانع اصلی در راه تحقق روند صلح در خاور میانه خواند. بیکر که در طی هفته های گذشته با سفرهای متعدد به کشورهای منطقه سعی در برگزاری کنفرانس صلح خاور میانه داشت، چهارشنبه هفته گذشته در کمیسیون خارجه مجلس کنگره آمریکا گفت: ساختن شهرک های جدید یهودی نشین در سواحل مرز و کرانه باختری رود اردن تلاش های دیپلماتیک آمریکا برای صلح را با اشکالات اساسی دچار می سازند. وی افزود هر بار که من اعلام می کنم به اسرائیل خواهم رفت، دولت اسرائیل خبر از ادامه سیاست شهرک سازی می دهد.

وزیر امور خارجه آمریکا متنازه بیرامون شرکت سازمان ملل متحد در کنفرانس صلح خاور میانه را "منازعه های مسملیک" دانست و هدم تشکیل کنفرانس صلح به این هلت را یک تراژدی خواند. سوریه خواهان شرکت سازمان ملل متحد در کنفرانس بین المللی صلح است ولی این خواست صریحا از طرف دولت اسرائیل رد شده است. بیکر در گزارش خود به کمیسیون

KAR Vol.3 No. 8 Wed. 29 MAI 1991	ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
حساب بانکی: Address: آدرس: RUZBEH POSTFACH 1810 5100 AACHEN GERMANY	M.ABD NR-35263011 37050198 Stadtsparkasse Köln GERMANY
کدبانک:	